



ولادت امام علی النقی علیہ السلام و عید غدیر خم مبارک



دو شاه کلید امام جامعه، پیش روی دولت
کاپیتولاسیون
ما با هیچکس تعارف نداریم؛ حتی خودمان
تاریخت رو قورت بده
حادثه خونین مکه
درس هایی از ازدواج حضرت علی و حضرت زهرا
خرافات در حرم امام رضا
کلیپ های صوتی، انیمیشن و داستانیک
مصاحبه با کاربر SEPEHRA

فهرست

۳	سرمقاله
۴	کلام امام (مگر مقابله با آمریکا شوخی است؟)
۴	اینفوگرافی (نرمش قهرمانانه)
۵	دو شاه کلید امام جامعه، پیش روی دولت
۷	آنچه دادیم و آنچه گرفتیم
۸	تاریخت رو قورت بده
۱۱	غربی ها رحم نمی کنند
۱۲	ما با هیچکس تعارف نداریم؛ حتی خودمان
۱۳	درد دلی قدیمی از شهید امیر اسدی
۱۴	جریان شناسی رسانه های فارسی زبان (بخش اول)
۱۵	کلیپ و انیمیشن
۱۶	کاپیتولاسیون
۱۷	تصاویر روز ۱۳ آبان
۱۹	حادثه خونین مکه سال ۶۶
۲۰	شوق سفر حج
۲۱	اخبار مقاومت
۲۲	راه شهیدان، راه بصیرت (وصیتنامه یک شهید)
۲۳	برگی از بهشت
۲۴	ما اینگونه ایم
۲۵	درسهایی از ازدواج علی و فاطمه (سلام الله علیهما)
۲۶	مهریه جالب
۲۷	وصال او را از من طلب کن
۲۸	خرافات در حرم امام رضا (علیه السلام)
۲۹	قدم زدن در شادی
۳۰	کلیپ های صوتی
۳۱	علمی (تحلیل لثه)
۳۲	تولیدات طنز
۳۴	اخبار افسران
۳۵	داستانک
۳۶	مصاحبه با کاربران
۴۰	دلنوشته

سرمقاله

- ۱- نجاشی شاعر یکی از یاران حضرت علی علیه السلام بود. روزی در ماه مبارک رمضان شراب نوشید و او را نزد حضرت آوردند. امیرالمومنین او را حد زد. نجاشی بعد از آزاد شدن به سوی معاویه رفت و با وجود علم به حقانیت مولا نزد معاویه ستمگر ماند
- ۲- عمرین سعد بین دو تصمیم متحیر مانده بود. آیا از خون حسین علیه السلام بگذرد و آخرت خود را اباد کند یا فرزند رسوالله را بکشد و به گندم ری برسد؟ و او گندم ری را انتخاب کرد
- ۳- مهاجرانی وزیردولت اصلاح طلبان بود. قرار بود فرهنگ اسلامی را در کشور رواج دهد اما چیزهایی را دوست داشت که با شرع و عرف دینی ملت نمی خواند. از ایران کوچ کرد و ریزه خوار شبکه های انگلیسی شد اما در عوض حالا می تواند به مجالس عیش و نوش دربار عربستان برود و آنچه را دلش می خواهد انجام دهد
- ۴- امیرالمومنین علیه السلام در شکایت از یاران خویش می فرماید: «شگفتا، به خدا که هماهنگی این مردم، در باطل خویش و پراکندگی شما در حق، دل را می میراند و اندوه را تازه می گرداند»
- ۵- لذت و لذت طلبی به عنوان یکی از جنبه های فطری همیشه با انسان بوده و هست. اما این لذات همانطور که استاد پنهان گفتند بر دوگونه هستند: لذات سطحی و لذات عمیق. او می گوید: «علاقه های خوب و ارزشمند قوی تر از علاقه های کم ارزش یا بی ارزش هستند ولی چون پنهان هستند انسان باید از علاقه های سطحی و کم ارزش خود عبور کند و آنها را قربانی کند تا به علاقه های عمیق و خوب خودش برسد.»
- اعمال ما در دنیا با همین وسیله جهت گیری میشود. آن کس که از جلب رضایت خداوند لذت بیشتری برد به سعادت نزدیک تر است و خدا نیز به او پاداش بیشتری می دهد
- در کربلا از میان انبوه یاران امام و دعوت کنندگانش به کوفه ۷۲ تن باقی ماندند و در جبهه حق یکپارچه شدند و بقیه یا راحت طلبی برگزیدند و خود را کنار کشیدند و یا در جبهه جنایتکار یزید به صف شدند
- ان ۷۲ تن کسانی بودند که از علایق سطحی گذشتند و به لذات عمیق فطری خود دست یافتند و نشاط شب قبل از شهادت نتیجه همین فتح بود.
- مثالهایی که در ابتدای مقاله آوردم تنها شاهد کوچکی از احوالات ماست. دلیل پراکندگی یاران ظاهری جبهه حق همین است که "حق" می خواهد انسان را از لذات سطحی دور نگه دارد و از علایق بزرگتر و عمیق تر بهره مندش کند اما انسان ضعیف و کم اراده دنبال خواستهای کم ارزش و پست می رود. جبهه باطل این نقطه ضعف انسان کوچک را می شناسد و شرایط را برای بهره مندی حداکثری او از این ارزوهای حقیر فراهم می کند و فرد بنده باطل میشود!
- و چقدر زیادند طرفداران باطل «اکثرهم لایعقلون...»
- هرکدام از ما در هر زمانی امکان دارد به این دام بیفتد و در دره باطل سقوط کند مگر اینکه از خواست های پست و حقیر عبور کنیم و وارد دنیای بیکران و بلند لذات متعالی شویم.
- با ورود به این درجه از آدمیت، دلهای اهل حق پیوندی بسیار مستحکم تر از همراهان باطل پیدا می کنند و سرسپردگیشان به امام حق فوق وفاداری منفعت طلبانه و از روی ترس اهل باطل به امامشان می گردد و برکت هر عملشان به اندازه یک تاریخ وسعت می یابد و شاهد آن عاشوراست...

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي سَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ

وَتَبَّتْ لِي قَدَمَ صَدَقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَأَصْحَابِ الْحُسَيْنِ

الَّذِينَ بَدَلُوا مَهْجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ



کلام امام

آقا بترسید. مقابله‌ی با آمریکا مگر شوخی است؟ پدرتان را درمی آورند...

در جنگ احزاب، از همه طرف حمله کردند... همه‌ی قبائل مشرک مکه و غیر مکه و ثقیف و غیره آمدند متحد شدند؛ ده هزار نفر نیروی رزمنده فراهم کردند؛ یهودی‌هایی هم که همسایه‌ی پیغمبر بودند و امان‌یافته‌ی پیغمبر بودند، خیانت کردند؛ اینها هم با آنها همکاری کردند. اگر بخواهیم این را با امروز مقایسه کنیم، یعنی آمریکا با آنها مخالفت کرد، انگلیس مخالفت کرد، رژیم صهیونیستی مخالفت کرد، فلان رژیم مرتجع نفتخوار مخالفت کرد. پوله‌اشان را خرج کردند، نیروهاشان را جمع کردند، یک جنگ احزاب درست کردند؛ جنگ احزابی که دلها را خیلی ترساند.

اوائل همین سوره میفرماید: «و اذ قالت طائفة منهم يا اهل يثرب لا مقام لكم فارجعوا»؛ مردم را میترساندند. الان هم همین جور است. الان هم يك عده‌ای مردم را میترسانند: آقا بترسید. مقابله‌ی با آمریکا مگر شوخی است؟ پدرتان را در می آورند! آن جنگ نظامی‌شان، این تحریم‌شان، این فعالیتهای تبلیغی و سیاسی‌شان

در آخر این سوره باز میفرماید: «لئن لم یتنه المنافقون و الذین فی قلوبهم مرض و المرجفون فی المدینة لنگرنک بهم». مرجفون همین هاینده. در یک چنین شرائطی، شرح حال مؤمن این است: «هذا ما وعدنا الله و رسوله»؛ ما تعجب نمیکنیم؛ خدا و رسولش به ما گفته بودند که اگر پابند به توحید باشید، پابند به ایمان به خدا و رسول باشید، دشمن دارید؛ دشمنها سراغتان می‌آیند. بله، گفته بودند، حالا هم راست درآمد؛ دیدیم بله، آمدند. «و صدق الله و رسوله و ما زدهم الا ايماناً و تسليماً»؛ ایمانشان بیشتر شد. منافق، ضعیف‌الایمان، فی قلوبهم مرض - که طوائف گوناگونی اند - وقتی دشمن را می بینند، تنشانشان مثل بید می‌لرزد؛ بنا میکنند به مؤمنین بالله و زحمتکشانشان را راه خدا، عتاب و خطاب و اذیت کردن و فشار آوردن؛ آقا چرا اینجوری میکنید؟ چرا کوتاه می‌آید؟ چرا سیاستتان را اینجوری نمیکنید؟ همان کاری که دشمن میخواهد، انجام میدهند. اما از آن طرف، مؤمنین صادق میگویند: ما تعجبی نمیکنیم؛ خب، باید دشمنی کنند؛ «هذا ما وعدنا الله و رسوله».

۰۷/۱۳۹۱/۱۹

afsarjavan

<http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?sid=33&npt=7&aya=13>



اینفوگرافی

پایگاه اطلاع‌رسانی HAMENEI، تعریف، برداشت غلط، باید‌ها و نباید‌ها، هدف و پشتوانه «نرمش قهرمانانه» در دیپلماسی از بیانات رهبر انقلاب اسلامی استخراج و در این اینفوگرافیک منتشر کرد.

نمایندگان سیاسی جمهوری اسلامی در جهان باید تیز تر از شمشیر، نرم تر از حریر و سخت تر از سنگ و پولاد باشند.

هدف

**پیشرفت و تحقق اهداف
انقلاب و نظام اسلامی**



مخبر قهرمانانه

باید‌ها

- ✓ تلاش فعال و مبتکرانه دیپلماتیک
- ✓ حفظ موضع قوی و متعاضنه و تهاجمی
- ✓ فراموش نکردن دشمن و مبارزه
- ✓ شناسایی آماج حمله‌ی دشمن

پشتوانه

**استحکام ساخت درونی نظام
پشتوانه نرمش قهرمانانه**

- حقیقتی در هر کشور و در هر دولت وجود دارد که اثر از دیپلماسی اثر خدمت آن حقیقت قرار می‌گیرد و بیش می‌رود. یعنی تلاش دیپلماتیک، بدون وجود یک جوهر، تاثیر زیادی نخواهد داشت. خلاصه این که هر گاه تلاش دیپلماتیک، با یک جوهر ذاتی همراه نشد، نتایجی نخواهد داد... تحرک دیپلماتیک، با این جوهر ذاتی است که می‌تواند سنگهای ساخت را بشکافد و راه را باز کند. به عبارت دیگر، همان چیزی که موجب دشمنها یا ماست همان چیز موجب پیشرفت دیپلماسی ماست. (۱۳۸۷)
- ما گفته‌ایم «ساخت درونی نظام» باید استحکام پیدا کند، ما گفته‌ایم «علم» بایستی رشد پیدا کند، ما گفته‌ایم «ولایت داخلی» بایستی اساسی کار باشد، ما گفته‌ایم «نگاه خوشبینانه به استعداد بومی کشور» بایستی جدی باشد. استعدادها پرورش پیدا کند، اینها پایه‌های اصلی کار است. (۱۳۸۷)

عرف

حرکت‌های صحیح و منطقی دیپلماسی

با حفظ اصول انقلاب

نباید‌ها

- ! تواضع مقابل قدرتهای بین المللی، بخصوص آمریکا
- ! غفلت از رابطه صمیمانه با سفیران و نخبگان کشورهای اسلامی
- ! جدا شدن ما از گروههای اسلامی
- ! عبور از خط قرمزها
- ! عدم توجه به آرمان‌ها
- ! تنیدی‌های بی وجه

برداشت غلط

**موضع تدافعی
و تلاش برای جلب رضایت استخبار**

ترکیه از یک کشور غیر فعال در جهان است. (۱۳۸۷) / دولت باید با مسئولان بران خود و جامعه مسلطی کشور (۱۳۸۷)

دانلود اندازه بزرگتر از لینک زیر:

http://farsi.khamenei.ir/ndata/news/24067/B/13920701_0124067.jpg

ارسالی توسط: goooya

دوشاه کلید امام جامعه، پیش روی دولت



جدیدی را برای بشریت ارائه کرده... یک مفهوم جهانی، یک حقیقت جهانی، یک حقیقت بشری به وسیله انقلاب پیام داده شد که هر کسی در دنیا آن را بشنود احساس میکند که به این پیام دل بسته است. آن پیام چیست؟ اگر بخواهیم آن پیام را در شکل اجتماعی و انسانی آن در یک جمله بیان بکنیم: مقابله با نظام سلطه است؛ این پیام انقلاب است. نظام سلطه، نظام تقسیم دنیا به ظالم و به مظلوم است؛ منطق انقلاب که منطق اسلام است، «**لَا تَظْلَمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ**» است.»

بحث اصلی ایشان این بود و حال پس از شرح و جا انداختن این مسئله از رفتارها و لبخندهای دیپلماتیک سخن میگویند:

«عرصه دیپلماسی، عرصه لبخند و درخواست مذاکره و مذاکره است اما همه این رفتارها باید در چارچوب چالش اصلی فهم و درک شود.»
یعنی پس از تبیین **چالش اساسی**، رفتارهای دیپلماتیکی را که همراه با درنظر داشتن این چالش اساسی است، تأیید می کنند و نهایتاً تعبیر نرمش قهرمانانه را بر این مبنا طرح میکنند:

«با مسئله ای که سالهای پیش «نرمش قهرمانانه» خواندم موافقم چرا که این حرکت در مواقعی بسیار خوب و لازم است اما با پایبندی به **یک شرط اصلی** در همین راستا ایشان **درک ماهیت طرف مقابل و فهم صحیح هدفگذاری او** را، شرط اصلی استفاده از تاکتیک نرمش قهرمانانه اعلام کرده و حتی برای روشن تر شدن مسئله مثالی میزنند:

«یک گشتی گیر فنی نیز برخی مواقع بدلیل فنی نرمش نشان میدهد اما فراموش نمیکند که حریفش کیست و هدف اصلی او چیست؟»

رهبر انقلاب با یک نگاه جامع و همه جانبه نگر، اولاً توجه دولت را به ظرفیت های داخلی جلب میکند، ثانیاً در نظر داشتن چالش اساسی میان انقلاب و نظام سلطه و همچنین درک ماهیت دشمن را **پیش شرط** و لازمه ی هرگونه رفتار دیپلماتیک مطرح مینماید.

با این تعریف، «نرمش قهرمانانه» آن رفتار **منعطف دیپلماتیکی** است که به **پشتوانه ی قدرت درونی ناشی از توجه به ظرفیت های داخلی و با فهم و درک چالش اساسی و با در نظر گرفتن ماهیت دشمن** است.

دو شاه کلید «**توجه به ظرفیت های درونی**» و «**در نظر داشتن چالش اساسی میان انقلاب و نظام سلطه**» مباحثی بود که با وجود اینکه پیش نیاز و لازمه ی نرمش قهرمانانه هستند، اما در حاشیه ی این لفظ قرار گرفته و مغفول ماندند.

نرمش قهرمانانه، سفر نیویورک، دیدار مقامات ایرانی و امریکایی، تماس تلفنی رؤسای جمهور ایران و امریکا، مذاکره با امریکا، رفع تحریم ها و... عباراتی که این روزها زیاد شنیده و از آنها خبر و تحلیل خوانده ایم. در این مطلب میخواهیم از زاویه ای دیگر به این مسائل بنگریم.

برگردیم به چندماه قبل، آغاز دولت و راه نمایی های راه بر، برای رئیس جمهور و کابینه ی دولت یازدهم. در این مطلب به **دو شاه کلید** ارائه شده از سوی امام خامنه ای به دولت و رئیس جمهور محترم می پردازیم.

امام خامنه ای در اولین جلسه با هیئت دولت جدید، مهم ترین بحث و اولویت اول کاری را برای رئیس جمهور محترم و دولت تازه نفس ایشان تبیین می کنند: «**تکیه به ظرفیت درون زای کشور**»

«نگاهمان به بیرون نباشد. این، توصیه ی ما است؛ ... نمیشود از دشمن و روشهای خصمانه ای که کرده، انتظار دوستی و محبت و صمیمیت داشت. نمیگویم از اینها استفاده نکنید، اما میگویم اطمینان نکنید، اعتماد نکنید، چشم به آنجا ندوزید، چشم به داخل بدوزید... **کلید حل مشکلات** اینجا است! در مناسبات بین المللی سهم هر کشوری به قدر قدرت درونی او است؛ هر مقداری که واقعاً در درون اقتدار داشته باشد، سهمش از مجموعه ی مناسبات بین المللی به همان نسبت بالاتر است؛ این را باید ما تأمین بکنیم.»

بعد از «چراغ راه» اول، در گام دوم ایشان در آستانه سفر جناب رئیس جمهور به نیویورک مطالب مهمی را در حوزه ی سیاست خارجی، در سخنرانی خود مطرح می کنند که متأسفانه در انعکاس و تحلیل آن بسیاری به عمد یا سهواً دچار خطا شدند.

سخنرانی مهمی که نکات کلیدی آن تحت الشعاع عبارتی جنجالی و خبرساز قرار گرفت و مغفول ماند.

عبارت «**نرمش قهرمانانه**»

از نظر حقیر تأکید و بار اساسی بیانات معظم له در این سخنرانی، نه بر روی مسئله ی «نرمش قهرمانانه» که در مورد پیش نیاز آن و مسئله ی مهمی بود که میبایست در تمام تحلیل ها و رفتارهای دیپلماتیک مدنظر قرار گیرد:

«**چالش اساسی میان انقلاب اسلامی و نظام سلطه**»

چالشی که آنرا این چنین تشریح می کنند: «اینکه ما بایم چالش انقلاب را فرو بکاهیم به چالشهای سیاسی و خطی و جناحی و مقابله ی زید و عمرو با یکدیگر، این سهل نگر است، مسامحه است، سهل انگاری است؛ چالش انقلاب اینها نیست... چالش اساسی انقلاب عبارت است از اینکه انقلاب یک نظم



همچنین **ظرافت های دیپلماتیک وزیر امور خارجه** در رفتارها، ملاقات ها، اظهار نظرها و مصاحبه های خود، بعضاً رنگ و بوی بی توجهی به آن چالش اساسی و عدم درک ماهیت دشمن را میدهد.

و نهایتاً در جنجالی ترین بخش این سفر، یعنی تماس تلفنی رؤسای جمهور ایران و آمریکا، با این فرض که درخواست تماس از سوی طرف آمریکایی بوده باشد، پاسخ دادن رئیس جمهور کشورمان به این تماس و قمار هیبت سی و چندساله ی شکل گرفته از انقلاب در برابر آمریکا را، پیش از آنکه هنوز هیچ تغییری در ماهیت رفتاری دشمن مشخص شود، می توان در قالب همان عجله ی نامعقول دولت در برقراری روابط دیپلماتیک خاص ارزیابی کرد.

بر ما پوشیده نیست که جناب رئیس جمهور و مجموعه ی دولت بدنبال پوشاندن جامه عمل به وعده های خود به مردم و حل مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم هستند اما راهی که ایشان برای این مسئله برگزیده اند، به ترکستان است.

تمرکز به خارج از مرزها برای حل مشکلات، رویکردی است که با شناختی که از خود و طرف مقابل مان داریم، ناکارآمدی آن برای ما ثابت شده است و امیدواریم در نهایت امر این اتفاق برای همگان آشکار شود و همه به این نتیجه برسند که راه حل مشکلات، توجه به «**ظرفیت های داخلی**» و همچنین پیش شرط حضور فعال در دنیا، **درک چالش اساسی میان انقلاب و نظام سلطه** است...

بیانات امام خامنه ای (مدظله العالی) در مراسم تحلیف و اعطای سردوشی دانشجویان دانشگاه های افسری ارتش، پس از اتفاقات سفر نیویورک نیز مؤید این مطلب مهم مطرح شده است:

«ما از تحرک دیپلماسی دولت حمایت میکنیم، پشتیبانی میکنیم. در کنار آمادگی های همه جانبه ی ملت ایران - چه از لحاظ اقتصادی، چه از لحاظ امنیت داخلی، چه از لحاظ استحکام ساخت درونی نظام اسلامی، چه از لحاظ وحدت ملی و چه از لحاظ نظامی - به تلاش و تحرک دیپلماسی هم چه در این قضایای سفر اخیر و چه غیر از آن، اهمیت میدهیم و از آنچه دولت ما انجام میدهد و **تلاش های دیپلماتیک و تحرکی که در این زمینه میکنند، حمایت میکنیم. البته برخی از آنچه در سفر نیویورک پیش آمد، به نظر ما بجا نبود؛** لکن ما به هیئت دیپلماسی ملت عزیزمان و دولت خدمتگزارمان خوشبین هستیم؛ البته به آمریکایی ها بدبینیم؛ به آنها هیچ اعتمادی نداریم.»

همچنین بیانات ایشان در دیدار شرکت کنندگان در هفتمین همایش ملی نخبگان جوان در رابطه با «پیشرفت درون زا» مجدداً تأکیدی بود بر این مسئله ی مهم. **أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ (آیا باز هم پند نمی گیرید؟!)**

حال با این راه روشن شده به نور رهنمودهای امام جامعه، میتوان به خوبی رفتار همه از جمله شخص رئیس جمهور، وزارت خارجه و در کل دیپلماسی دولت را تحلیل و بررسی کرد.

در مورد **برخورد دولت با شاه کلید اول** میتوان به این **رویکرد عجولانه ی دولت برای حل مشکلات اقتصادی از طریق روابط دیپلماتیک** و توجه بیش از حد به بیرون مرزها اشاره کرد.

دولتی که در ماه های ابتدایی فعالیت خود مواجه است با بسیاری از مسائل و نارسایی های داخلی که نیازمند توجه اند و در ارتباط با معیشت مردم (کشاورزی، صنعت، مسکن مهر و...) اما تمام تمرکز و هم و غم خود را برای حل مشکلات معیشتی به خارج از مرزها و سفر نیویورک معطوف می کند.

برای مثال اظهارات وزیر امور خارجه و فضای حاکم بر تفکر وی در گزارش های خود به کاربران فیسبوک در این رابطه قابل تأمل است. آنجا که بیان میکند که فلان روز چندین دیدار با فلان وزیر امور خارجه و فلان مسئول فلان کشور دارم، دعا کنید بتوانم گامی در راستای حل مشکلات معیشتی و زندگی مردم بردارم (نقل به مضمون).

بسیاری از رفتارهای دیپلماتیک دولت که از آنها به امتیازدهی تعبیر می شود، بخاطر این اشتباه بزرگ و عجله و تمرکز به خارج از کشور برای حل مشکلات است. عدم توجه به شاه کلید اول مطرح شده از سوی رهبر انقلاب، در این رویکرد دولت مشهود است.

همچنین متأسفانه **مغفول ماندن شاه کلید دوم** هم بعضاً در اظهارنظرها، مواضع و رفتارهای دیپلماتیک جناب رئیس جمهور و مجموعه ی دستگاه دیپلماسی دولت احساس می شود.

برای مثال می توان به سخنرانی دکتر روحانی در مجمع عمومی سازمان ملل با وجود اظهار بسیاری از مواضع اصولی انقلاب (که بمنظور جلوگیری از طولانی شدن مطلب ذکر نمیشود) نقدی اساسی وارد کرد.

و آن مربوط به تحلیل ایشان از شرایط دشمنی ها در دنیای امروز است. آنجا که در نطق خود گفتند: «در این گذر حساس در تاریخ مناسبات جهانی، **عصر بازی های با حاصل جمع صفر** پایان یافته است.»

بازی با حاصل جمع صفر میان دو طرف به این معناست که پیشروی یک طرف به معنای عقب نشینی طرف دیگر، امتیاز گرفتن یک طرف به معنای امتیاز دادن طرف دیگر و در نهایت پیروزی یک طرف به معنای شکست طرف دیگر است.

حال رئیس جمهور کشورمان از پایان یافتن این نوع تقابل در دنیای امروز سخن می گوید.

پیش تر نیز جناب روحانی در چند جا از **فرضیه ی «برد - برد»** برای مسئله ی هسته ای (که بر همه روشن است که بهانه ای برای دشمنی است) استفاده کرده بود. (از جمله در مصاحبه با خبرنگار NBC)

اما آیا به راستی دشمنی های امروز دشمنان انقلاب اسلامی، با انقلاب، می تواند در این تحلیل رئیس جمهور جای بگیرد؟

آیا نزاع ایران و آمریکا یک بازی با حاصل جمع صفر نیست؟! چگونه ممکن است در این دشمنی دیرینه و اعتقادی ما با استکبار جهانی و در رأس آن آمریکا شرایطی حاصل شود که هر دو به خواسته ها و اهداف خود دست یابند. اهدافی که در اصول و مبانی با هم در تضاد آشکارند. چگونه ممکن است در این جدال، حالت «برد - برد» اتفاق بیفتد؟!

آرمان های امام، رهبری، مبانی انقلاب و تاریخ معاصر کشور، تعریف دقیقی از «دشمن» ارائه می کند که با این تحلیل جناب رئیس جمهور در تضاد است. رویارویی انقلاب با استکبار، یک رویارویی با حاصل جمع صفر بوده، هست و تا زمانی که یک طرف این معرکه از آرمان های خود دست بردارند، خواهد بود!



ارسالی توسط: mahdiyar85
شماره لینک افسران: 386658

آنچه دادیم و آنچه گرفتیم

خاطریم هست در بحبوحه انتخابات انگشت اتهامشان به سمت ما بود که شما از دیپلماسی و از زبان گفتگو با دیگر کشورها هیچ نمی دانید. و باز هم خاطریم هست ادعاهایی که سعی داشت سرپوشی بر ناکامی های پیشیشان در عقب نشینی هسته ای دولت آقای خامنه یی بگذارد و به آن توهم همیشگی چنگ بزند که اگر با آمریکا مذاکره می کردیم تحریم ها کم می شد و دلار ارزان می شد و چه و چه... اما نمی دانم این روزها که دستگاه دیپلماسی دولت تدبیر و امید با خوشحالی از گفتگوی تلفنی روحانی با رئیس جمهور آمریکا و دیدار حاشیه ای ظریف با همتای آمریکایی خود یاد می کند و روزنامه های هم طیف دولت به شادی از آن یاد می کند چرا کسی نمی گوید از این اتفاق که پس از سی و اندی سال افتاد ما چه به دست آوردیم و چه از دست دادیم.

قدیمی تر ها خاطرشان هست که آخرین مذاکره ایران و آمریکا به سی و اندی سال پیش و به گفتگوی بازرگان با رئیس جمهور آمریکا برمی گردد که حاصل آن آغاز تحریم های سنگین و بلوکه شدن اموال ایران و اخراج ایرانیان از خاک آمریکا بود و امروز بر خلاف آنچه طرفداران مذاکره می اندیشیدند تنها دست آورد این مذاکره شکسته شدن ابهت «نه» گفتن ایران انقلابی - که می شد این دست آورد آمریکایی ها را از ذوق زدگی رسانه هاشان در پیش قدم شدن دولت روحانی برای تماس تلفنی با مقامات آمریکایی به وضوح دید- و کاهش صد تومانی دلار که ساعتی هم بیشتر دوام نیاورد دید و عجب دستاوردی بود این دستاورد!!!

دستاورد دیگر این عقب نشینی از آرمان های انقلاب و فرامین امام راحل (ره) برای دولتی ها آنقدر جذاب و باشکوه بود که برای نشان دادن این دستاورد مراسم رونمایی گذاشتند تا شادیشان را از هدیه ای! که آمریکا با اموال خودمان به خودمان داده اند نشان بدهند. و عجب دستاوردی است این دستاورد!!!



و شاید از دولتی که به تدبیر و امید فعالین و سران فتنه ۸۸ امیدوار است بیشتر از این دستاوردها هم انتظار نرود که رئیس سازمان میراث فرهنگی این دولت با ذوق زدگی مثال زدنی درباره حسن نیت مقامات آمریکایی اینطور بیان کند که: **به گفته مسئولان وزارت خارجه آمریکا این شی به نشانه حسن نیت این دولت به ایران اهداء شده و ملت آمریکا خوشحال است که چنین هدیه ای را به ملت ایران تقدیم می کند.**

این در حالی است که محمد علی نجفی رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری به همراه رییس جمهور عازم نیویورک شده بود تا تکلیف ۳۰ هزار لوح هخامنشی ایران را که به امانت در اختیار مؤسسه شرق شناسی دانشگاه شیکاگو آمریکا گذاشته شده و بازگردانده نشده بود پیگیری کند، اما تنها با جام سمین «شیردال» و آن هم با عنوان هدیه آمریکا به ایران به کشورمان بازگشت.

بعد دیگری که طرفداران دولت تدبیر و امید به آن دل بسته بودند برداشتی بود از سخنانی او باما که شاید این گونه برداشت کرده اند که رئیس جمهور آمریکا حق غنی سازی اورانیوم ایران را به رسمیت شناخته و این حاصل دیپلماسی این روزهای دولت بوده اما با صحبت هایی که مشاور امنیت ملی رئیس جمهوری آمریکا درباره سخنان باراک او باما بیان کرده همه این به اصطلاح دستاوردها را به باد داده است.

سوزان رایس، مشاور امنیت ملی او باما در مصاحبه ای اختصاصی با شبکه سی ان ان درباره تحولات چند روز اخیر میان ایران و آمریکا صحبت کرده و گفته: بیان این کلمات کاملاً عاقدانه بود. آمریکا حرفی از حق ایران در زمینه غنی سازی صحبت نکرده است. گفته شده است؛ ایران به عنوان عضو NPT، هنگامی که به تعهدات بین المللی خود پایبند باشد، یعنی بر مبنای التزامات IAEA و قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل، در آن صورت مانند هر عضو دیگر NPT، حق استفاده از انرژی صلح آمیز هسته ای را خواهد داشت. این سیاستی است که ما از مدت ها قبل دنبال می کنیم و چیز جدیدی نیست.

این نوع رفتار دولتی ها و پاسخ های دولت آمریکا به آن انسان را به این فکر می رساند که نتیجه روی خوش نشان دادن به استکبار چیزی جز این نیست که اگر یک قدم با ذلت به عقب برداریم دشمن ده قدم با گستاخی و بی پروایی به سمت ما هجوم خواهد آورد.

و انسان را یاد حرف های مشاور ارشد سابق او باما، گری سامور می اندازد که به عنوان هزینه تخفیف تحریم ها گفته بود: شرط برداشتن تحریم ها، از بین بردن تاسیسات هسته ای ایران است!

این به اصطلاح دستاوردهای دیپلماسی دولت تدبیر و امید در برابر سکوت درباره حقیقت هولوکاست به عنوان عامل اصلی اشغال فلسطین و البته با فرار روحانی از پاسخگویی با بیان بهانه هایی چون بنده تاریخ دان نیستم و... و یا رد درخواست مقامات آمریکایی برای مذاکره با بیان بهانه عدم وجود زمان مناسب و البته واگذار کردن آن به زمان دیگر و مواردی از این قبیل که هر کدام برای این مردم ارزش و جایگاه ویژه ای داشته و دارد بود است که بر خلاف ادعاهای پیشین این دوستان با کوتاه آمدن از این اصول هیچ منفعتی برای کشور حاصل نشد.

این ها حاصل دیپلماسی فعال دولت تدبیر و امید است که بازی ای را که می شد به نفع ایران در مقابل آمریکا به برد-باخت خاتمه داد؛ با خوش بینانه ترین شکل به برد-برد تبدیل کرد و یا به تعبیر مازیار بیژنی کاریکاتوریست شهیر این مرز و بوم، به «برد! برد!» مبدل ساخت.

goooya

برگرفته از سایت: آنچه خدا بر قلم نازل کرد...



تاریخت روقورت بده

NPT Comprehensive Safeguards Agreements

چگونه تنها کشور دارای مِب اتم باشیم؟

این داستان : ان پی تی

نان پرولی ف ریشِن نیوکلیئر یا همون ان پی تی خودمون چیست؟

نیوکلیئر نانپرولی ف ریشِن (Nuclear Non- Proliferation Treaty) یا همون پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای معاهده ای یه که می‌گه فقط دولت هایی که قبل از سال ۱۹۶۸ (۱۳۴۷) مِب هسته ای داشته باشند حق داشتنش رو دارن و بقیه دولت ها ول معطلند و با پیوستن به این معاهده متعهد میشن که نرن سمت این جنگولک بازی و در ازش حق برخورداری از انرژی صلح آمیز هسته ای رو خواهند داشت. کشوری دارای مِب اتم هم متعهد میشن اگر حال کردن و وقت داشت آدم باشن و به از بین بردن کلیه سلاح هسته ای شون مبادرت بورزند و به کشوری دیگه هم در راستای استفاده صلح آمیز از این انرژی کمک کنن.

لابد میپرسین چی شد که اینجوری شد؟

سال ۱۹۳۹ جنگ جهانی دوم با حمله آلمان یه لهستان کلید میخوره (۱۳۱۸ تا ۱۳۲۴ / ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵) ...

(این کلیده خودش داستان ها داره واس خودش که اگر عمری بود بعدا تعریفش میکنم!!)

بعد جنگ جهانی اول (۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ / ۱۲۹۳ تا ۱۲۹۷ شمسی) کشوری پیروز افسار قدرت رو در دست گرفت و دمار از روزگار مردم و دولت آلمان و باقی کشوری شکست خورده جنگ در آوردن قراردادی مثل "ورسای" بلای سر آلمان آورد که اون سرش نا پیدا آلمانی که خودش تهههه استعمار بود تبدیل شد به یه مستعمره، نه تنها مستعمره شد بلکه بعضی از بخش هاش تجزیه هم شد!!

در واقع باید گفت هرکی خربزه بخوره باید پای لرزش هم بشینه! حیف که بعضی آدمها هیچ وقت آدم نمیشن!!

حالا شما تصور کنین این وسط چنتا نژاد پرست مخ تعطیل مثل هیتلر تصمیم بگیرن با چنتا نژاد پرست مخ تعطیل تر از خودشون مثل چرچیل مجدد سر شاخ شن. محصول یه چنین حالتی میشه جنگ جهانی دوم " وُردل وار دوم" !

بزرگترین جنگ تاریخ هفت هشت هزار ساله بشریت .

جنگی که بطور مستقیم و غیر مستقیم زندگی بیشتر از یک میلیارد نفر از جمعیت پنجاه و سه کشوری که درگیرش بودند رو به قهقرا کشوند.

جنگی با ۵۰ تا ۷۰ میلیون نفر کشته که بخشی از اونها نظامی و بخشی غیر نظامی بودند.

غیر نظامی هایی که با ۵ تا ۱۰ میلیون تن مبی که که طرفین درگیر رو سر همدیگه ریختن کشته شدند. بخشی قابل توجهی از این آمار مربوط به کشته های حاصل از حطقی تو کشورهای مثل چین، هندوستان و همین ایران خودمون. آمار هلوکاست یهودی ها هم که بماند. میتراسم بگم ، اصل #ظرافت در بیان مطالب زیر سوال بره تهش شر شه واسم !! ... خلاصه جنگ شروع میشه و آقایون جنتمن سیاست مدار میزنن اون گوشه موشه های عالم پهناور یه چند میلیون نفری رو کتلت میکنن و یه چند میلیون نفری هم قطع عضو میشن و یه چند میلیون نفری هم در راستای حقوق حقه زنان مورد تجاوز قرار میگیرن و یه چند میلیون نفر از جمعیت کودکان کره زمین هم در راستای دفاع از حقوق کودکان بی پدر و مادر میشن و یه چند میلیون نفری هم!!!

این کشت و کشتارها ادامه داشت تا اینکه ساعت ۸ و پونزده دقیقه ی صبح ۶ آگوست ۱۹۴۵ پسرکوجولوی خوش هیکل هری ترومن با ۴ هزار کیلوگرم وزن و ۳ متر طول و یه کلاهک خوکشل موکشل پر فشار حاوی ۶۰ کیلوگرم اورانیوم-۲۳۵ سوار بر مِب افکن سنگین B-29 (Enola Gay) راهی ژاپن میشه و بعد از رها شدن از هواپیما تو فاصله ی ۵۷۶ متری از سطح زمین روی شهر 広島市 یا همون هیروشیما منفجر میشه و با گرمای چند میلیون سانتی گرادی خودش هرگونه اثری از حیات رو تو شعاع یک و نیم کیلومتری این شهر بطور کامل از بین می بره. یعنی برهوت برهوت!

اما این پایان ماجرا نیست. ۲ روز بعد انفجار هیروشیما هری ترومن دوست داشتنی ، مرد چاق ایالات متحده معروف به (fat man) رو که در غم فراق از دست دادن پسرش به سر میرده به دفتر کارش فرا میخونه.

" کلنل قتی جان ما همه بخاطر از دست دادن لیتل بوی (little boy) عزیز ناراحت و غمگین هستیم. آمریکا هیچ وقت از خودگذشتگی لیتل

بوی رو فراموش نخواهد کرد همونطور که حمله ژاپن به پرل هاربر رو فراموش نمیکنه. ما ناگزیر هستیم برای پایان این جنگ خاغان سوزی که

هیتلر لعنتی راه انداخت ، چاره ای بیندیشیم و چه راهی بهتر و بی دردسر تر از یه انفجار اتمی دیگه... ..

ما شما رو بهترین گزینه برای انجام این ماموریت و خدمت به تاریخ بشریت تشخیص دادیم."

روز بعد خبر انفجار یک بمب اتمی دیگه جهانی رو که هنوز از شوک انفجار اول در نیومده بود تو کما میبره. چند روز بعد هری ترومن طی نطقی اعلام میکنه :

تصمیم ما فقط و فقط بخاطر پایان این جنگ لعنتی و جلوگیری از کشتار چند میلیون نفر دیگه بود. ما باید انتقام کشتار بی رحمانه سربازهامون در بندر پرل هاربر رو میگرفتیم. جنایتی که باعث ورود ما به جنگ جهانی دوم شد و ننگ بزرگی هست بر تاریخ بشریت. کلا چیزی که عوض داره گله نداره. ما معتقدیم هدف وسیله رو توجیح میکنه. بمباران ۶ ماه پیش شهر دُرسدن آلمان هم که با خواست چرچیل و همکاری ارتش بریتانیا انجام دادیم و زدیم ۶۰۰ هزار نفر رو تبدیل به خاکستر کردیم دقیقا در راستای همین هدف بود یعنی پایان جنگ ... خاک تو سر کسانی که به چنین حوادثی بگن هالوکاست !!...
بمباران اتمی هیروشیما و ناگاساکی رو هم دقیقا به همین دلیل انجام دادیم. اصلا وقتی هدف ما پایان جنگ و جلوگیری از کشتار میلیون ها نفر دیگست باید گفت گور بابای ۲۰۰، ۳۰۰ هزار نفری که تو این دو تا شهر جزغاله شدن. گوربابای بچه هایی که بعد از این انفجار تا سال ها ناقص و بدون دست و پا و با بیماری هایی مثل سرطان بدنیا میان گور بابای ۱۰ تا ۱۵ میلیون نفری که تو کشوری که هیچ ربطی به جنگ نداشتن کشته شدن.....
اصن گور بابای همشــــون.

بعد از استفاده امریکا از بمب اتمی و پایان جنگ جهانی دوم رقابت شدیدی برای ساخت این سلاح مرگبار شکل گرفت. شوروی سابق سال ۱۹۴۹، انگلیس سال ۱۹۵۲، فرانسه سال ۱۹۶۰ و جمهوری خلق چین سال ۱۹۶۴ هر کدام به یه دولت هسته‌ای تبدیل شدن و لازم بود این وسط یکی ترمز دستی رو بکشه.
معاهده ان.پی.تی اول ژوئیه ۱۹۶۸ برای امضای کشورها آماده شد. تو این تاریخ آمریکا و انگلیس و ۵۹ کشور دیگه امضاش کردند. ۵ مارس ۱۹۷۰ بعد از اینکه آمریکا این معاهده رو تو مجلس خودش تصویب کرد NPT حالت اجرایی به خودش گرفت. فرانسه تا سال ۱۹۹۲ حاضر به پذیرش این معاهده نشد.
از بین کشور های دنیا ۱۸۹ کشور عضو این پیمان هستند.
پاکستان و هند، رژیم صهیونیستی و سودان جنوبی عضو این پیمان نیستند؛ **کره شمالی** قبلا عضو بود ولی بعد از نقض این پیمان از لیست خارج شد (۱۹۸۵ تا ۲۰۰۳) تایوان هم بعد از اخراجش از سازمان ملل تو سال ۱۹۷۱ لیست اعضای امضا کننده این پیمان خارج شد. (سازمان ملل استقلال تایوان و جدا شدنش از چین رو به رسمیت نمیشناسه)

خوندن بخشی از مقاله پاتریک سیبل تو میدل ایست آن‌لاین درباره این معاهده خالی از لطف نیست :

حقیقت این است که پنهان کاری، سیاستهای دوگانه و مبهم و همچنین ریاکاری مدتهاست که آشکال این بازی هسته‌ای تحت معاهده ان. پی. تی را تشکیل می دهند.

معاهده ان. پی. تی براساس یک توافق سه طرف تشکیل شده است:

۱. پنج کشور جهان که زودتر از دیگر کشورها هسته ای شدند - ایالات متحده آمریکا، انگلیس، فرانسه، روسیه و چین- پیشتر خود را متعهد کرده بودند که شمار تسلیحات هسته‌ای خود را کاهش بدهند اما روند خلع سلاح هسته‌ای این پنج کشور هسته‌ای به یک آرزوی دست نیافتنی تبدیل شده است.
۲. در عوض کشورهای غیرهسته ای که مفاد معاهده ان. پی. تی را امضا کرده اند، قول دادند که به دنبال تسلیحات هسته ای نباشند.
۳. به عنوان پاداش برای تعهد این کشورهای غیرهسته‌ای، به آنها قول داده شد که به سوخت و تکنولوژی هسته‌ای برای اهداف صلح آمیز دسترسی داشته باشند اما این وعده نیز تحقق نیافته است.
به عبارت دیگر نه تنها تعهدات اعلام شده این مفاد ان. پی. تی محقق نشده بلکه بیشتر مفاد این معاهده نیز نقض شده است. امروز پس از گذشت ۴۰ سال از قدمت معاهده ان. پی. تی به نظر می رسد که خطر سقوط ان. پی. تی وجود دارد.

شرایط فعلی به گونه ای است که پنج کشور هسته‌ای به هیچ وجه در راستای خلع سلاح هسته ای گام بر نداشته و در این مسیر نیز جدی عمل نکرده اند. اگرچه ایالات متحده آمریکا و روسیه اخیراً معاهده جدید استارت (START 2) را با هدف کاهش چشمگیر شمار تسلیحات هسته ای خود امضا کرده اند اما زرادخانه های هسته ای آنها همچنان مملو از تسلیحات هسته ای استراتژیک است.

دیگر ضربه مهلک به معاهده ان. پی. تی، عدم امضاء این معاهده از سوی اسرائیل، هند و پاکستان است که به رغم هسته ای بودن از امضای آن امتناع کرده‌اند. اسرائیل، هند و پاکستان حتی به دلیل امتناع از امضاء این معاهده با پیامدهای جدی یا فشار از سوی مجامع بین المللی روبرو نشده اند.

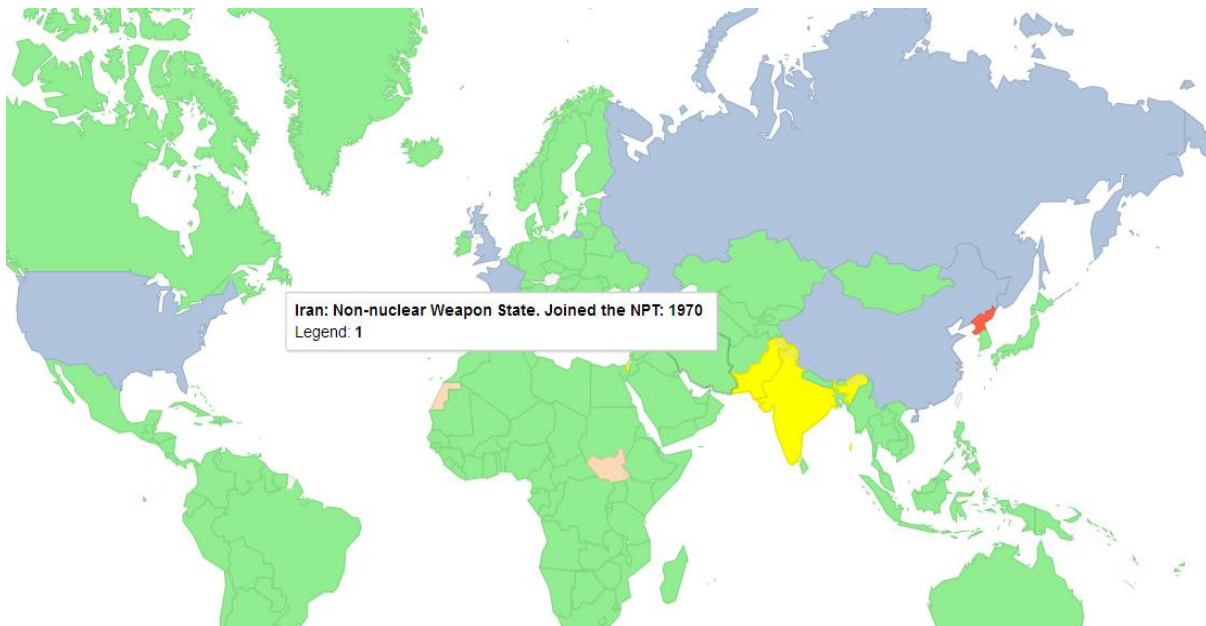
متن کامل پیمان منع گسترش سلاح های هسته ای از لینک زیر در دسترس :

http://www.irannuclear.net/pdf/asnad_ajans/01.pdf

برای مشاهده لیست کشورهای عضو و غیر عضو و مشاهده اطلاعات کامل برید به لینک زیر :

http://cns.miis.edu/npt_prepcom/nuclear_world__npt_membership.htm

<http://www.nti.org/country-profiles/>



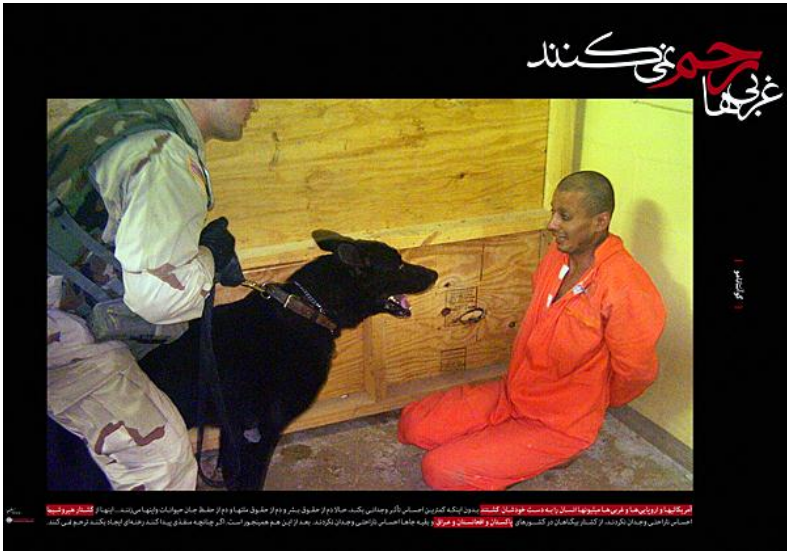
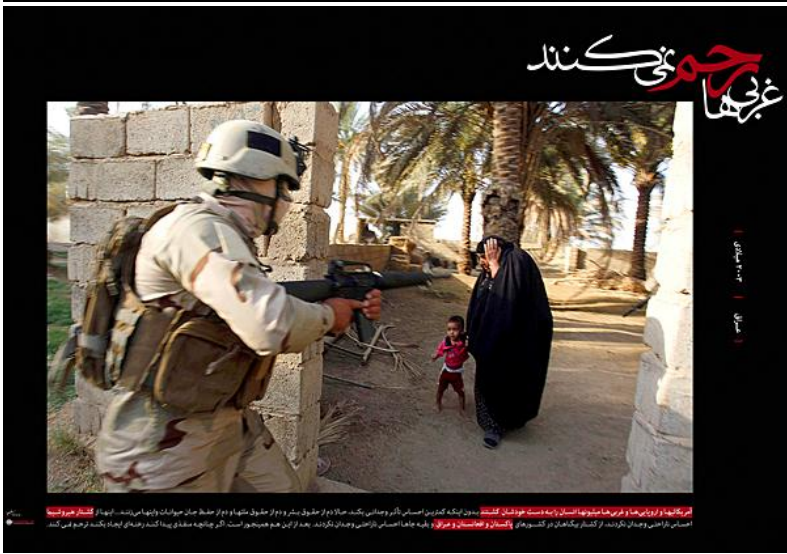
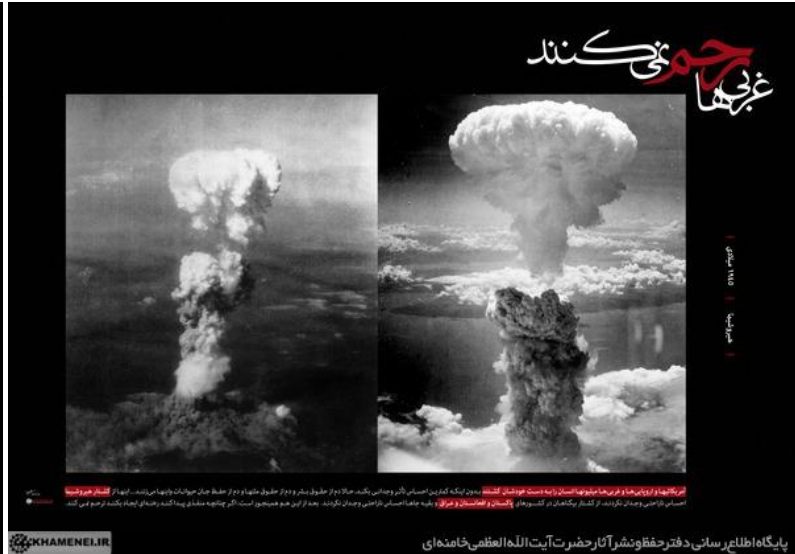
NPT Membership Map

1 - Non-nuclear weapon member state	کشورهای عضو فاقد سلاح هسته ای
2 - Nuclear weapon member state	کشورهای عضو دارای سلاح هسته ای
3 - Non-member state with nuclear weapons	کشورهای دارای سلاح هسته ای غیر عضو
4 - Non-member state with no nuclear weapons	کشورهای فاقد سلاح هسته ای غیر عضو
5 - Member state that withdrew from the treaty	کشورهای که از پیمان خارج شده اند (قبلاً عضو بودند)

غربی‌ها رحم نمی‌کنند

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور با برشمردن نمونه‌هایی از جنایات غرب فرمودند:

«باید در مقابل دنیای غرب، مقتدر بود زیرا آنها نشان داده اند که به هیچکس رحم نمی‌کنند و برخلاف ادعاهای حقوق بشری و ظاهرسازی هایشان، کشته شدن میلیون‌ها انسان نیز، وجدان آنها را متأثر نخواهد کرد.»





ما با هیچ کس تعارف نداریم، حتی خودمان...

ساده لباس می پوشد، بیشتر پیراهنش را روی شلوار می اندازد، گاهی فقط چند تار مو بر صورتش روییده که به سختی صدق ریش می کند، سرش پایین است و زیادی نور بالا می زند...!!! آری او یک بسیجی است.

اما این ها ظاهر قضیه است و بسیجی با این چیزها بسیجی نشده است. قرار است اینجا از چیزهایی بنویسیم که بسیجی را بسیجی کرده است. یکی از مهمترین فاکتورهای بسیج، استقلال و بی تعارفی است که امروز قرار است از آن بنویسیم. ما این صفت را از همت ها، باکری ها و دیپلمه ها و این اواخر از شوستری ها و احمدی روشن ها به ارث برده ایم. مردانی از جنس آفتاب اما به سادگی زمین!

ما اصلا عنوان آقا زاده را به رسمیت نمی شناسیم، که بخواهیم به خاطر فلان آقا، زاده ی ایشان را فراموش کنیم. ما از امام خود آموخته ایم که دزدها را حتی در لباس روحانیت را رسوا کنیم تا به لباس پیامبر (صلی الله علیه و آله) آسیبی وارد نشود.

تعارف های اطو کشیده ی آقای اوپاما باعث نمی شود، ما فراموش کنیم که دغدغه ی اصلی ایشان اسم سگ دخترشان بود نه بچه مسلمان های بیگانه غزه و سوریه و میاممار. ما فراموش نمی کنیم خبثت های ۶۰ ساله ی ایالات متحده را، فراموش نمی کنیم هدف قرار دادن هواپیمای مسافربری مان را، فراموش نمی کنیم اشک های آرمتنا و علیرضا را....

حرف آخرمان، حرف اوپاما است. ما در اصول انقلاب نه به چپی کار داریم نه به راستی. پای اسلام و اصول انقلاب و رهبری که وسط باشد، ما با خودمان هم تعارف نداریم....

Hamid17

جهت یادآوری به دولتمردان



دانلود اندازه بزرگتر از: <http://media2.afsaran.ir/si99nli.jpg>

در دلی قدیمی از شهید امیر اسدی

سلام

این متن، نوشته شهید امیر اسدی (بابای عزیزم) هست که ۶ مرداد ۱۳۷۸ در روزنامه کیهان به چاپ رسید.

سرداران! شما دست مدعیان آزادی را رو کردید...

فرماندهان دلاور. حماسه آفرینان ۸ سال دفاع مقدس.

سلام

نامه دردمندانه و صمیمانه شما خطاب به رییس جمهور محترم را خواندم و موضع گیری های عجیب روزنامه ها و گروه های به اصطلاح دوم خردادی را نظاره کردم که چگونه همسو با رادیوهای بیگانه به شما تاختند و کلمات و تعبیری که در شان خودشان بود به شما نسبت دادند!

نمیدانم چرا آقایان با رادیوهای بیگانه همسو شدند؟!

آیا اینها به رادیوهای بیگانه خط میدهند یا بالعکس؟!

البته امام راحل فرمودند اگر دشمنان روزی از شما تعریف کردند در خودتان شک کنید!

آقایانی که فریاد آزادی خواهیشان پس از گذشت ۲۰ سال از پیروزی انقلاب در سایه امنیتی که شما دلاوران بر پا کردید. بسان پتکی نیروهای ارزشی نظام را نشانه رفته و ادعای گفتمان سیاسی و تحمل طرف مقابل گوش فلک را کر کرده. در عمل نشان دادند چیزی را که هرگز تحمل نمیکنند. نظر مخالف است! و با توهین. هیاهو. جوسازی و جارو جنجال در مطبوعات همفکر خود جنگ تمام عیار مطبوعاتی را علیه شما آغاز کرده اند.

شما از آزادی و امنیت با جان و دل پاسداری کردید و اینها با شعار آزادی و امنیت تا توانستند بر شما تاختند و گفتند شما حق اظهار نظر و تحلیل و ابراز نگرانی در مورد انقلاب را ندارید.

شما فقط باید جان نثاری کنید و آقایان باند بازی و ریاست نمایند!

گویا شما پاسدار ریاست آقایان هستید!!!!

شما خون دل خوردید تا آقایان یکه تازی کنند و اصول و ارزش های انقلاب را به حراج بگذارند و جامعه را به آبی و قرمز یا چپ و راست تبدیل کنند و آمریکا را به فراموشی بسپارند و هر روز غائله ای در مطبوعات به پا کنند تا مانند گروه فشار نظر خود را تحمیل نمایند عجب جامعه مدنی به ارمغان آوردند! ارزانی خودشان!

ما برای جامعه توحیدی و مدینه النبی انقلاب کرده بودیم نه این جامعه باج گیری و گنده گویی!

شما باید منتظر بمانید تا ارزشها و آرمانهای بلند امام راحل و اسلام ناب مورد تاخت و تاز قرار گیرد تا فرصت طلبها مجلس را به دست گیرند و سیاست تساهل و تسامح سرعت بیشتری بگیرد!

شما ساکت باشید و سخن نگویند! بگذارید نا محرمان انقلاب هر چه میخواهند بگویند. در دانشگاهها سخنرانی کنند. اعلامیه بدهند در روزنامه های دولتی و جناحی و با اصطلاح مدنی سخن پراکنی کنند و دین و دیانت و بسیجی و امام امت و استوانه های نظام را به استهزا بکشانند.

آزادی برای آنها است نه شما که برای آزادی جان نثاری کردید و به مسلخ رفتید.

آزادی و امنیت برای تماشاگران و قاعدین ۸ سال دفاع مقدس و ۲۰ سال بعد از انقلاب است نه برای شما!

اصلا چرا جنگیدید؟! جنگیدن شما خشونت نبود؟!

خدا میداند ما نیز چون شما کاسه صبرمان از این دغلبازی ها نامردیها لبریز شده است و تنها به احترام امرعلی زمان. صبوری کرده ایم.

حماسه ۲۳ تیر که خواب نامردها را پریشان کرد. گوشه ای از این نفرت و انزجار انباشته بود.

ما مرد میدانیم. بسم الله اگر حریف ما هستید.



جریان شناسی رسانه‌های فارسی زبان (بخش اول)



خرداد سال ۱۳۸۱ و در دوره ی دوم ریاست جمهوری محمد خاتمی و وزارت ارشاد احمد مسجدجامعی روزنامه اعتماد با مدیریت الیاس حضرتی فعالیت خود را آغاز کرد.



الیاس حضرتی فعال سیاسی و رسانه ای اصلاح طلب . مرد شماره یک این جریان در استان گیلان و نماینده چهار دوره مجلس شورای اسلامی و از موسسین حزب همبستگی و عضو شورای مرکزی حزب اعتماد ملی (سال ۸۴ و در پی اعتراض کروی به نتایج انتخابات توسط وی تاسیس شد) میباشد. حضرتی در دوره سوم و چهارم و پنجم به عنوان نماینده مردم رشت در مجلس حضور داشت (۱۳۶۷ تا ۷۸) و در مجلس ششم نیز از تهران راهی خانه ملت شد. وی جزو متخصصین مجلس ششم بود .

توقیف چهار ماهه اعتماد

اعتماد در انتخابات ریاست جمهوری نهم و دهم از حامیان مهدی کروی بود. بعد از انتخابات ۸۸ و حواشی آن نیز یکی از تریبون های رسانه ای سران فتنه بشمار می آمد. ۱۰ اسفند ۸۸ پس از ۸ تذکر کتبی ، هیئت نظارت بر مطبوعات با استناد به ماده شش قانون مطبوعات حکم به توقیف موقت این روزنامه داد. ۲۹ خرداد ۱۳۹۰ اعتماد پس از ۴ ماه توقیف به کیوسک روزنامه فروشی ها کشور بازگشت. بازگشتی که با استقبال و خوشحالی اصلاح طلبان روبرو شد.

همزمان با رفع توقیف اعتماد سید محمد خاتمی با ارسال پیامی به تمجید از این روزنامه پرداخت «ستاره» هرچند زمانی دراز در محاق تعطیلی افتاد اینک باز آغاز به درخشش می‌کند و چون در باور مردم و ارزش‌های انقلاب اسلامی که بر مدار ایمان به خدا و حرمت انسان می‌گشت ریشه داشت در یادها و خاطره‌ها ماند. و خدا را سپاسگزاریم که شاهد طلوع دوباره «اعتماد»یم....

این در حالیکه که دی ماه ۸۷ همزمان با بازارگرایی اصلاح طلبان برای حضور خاتمی و بحث های داغ بر سر آمدن یا نیامدنش روزنامه اعتماد طی یاداشتی با عنوان "خاتمی نیاید" از خاتمی خواست در انتخابات شرکت نکند. در بخشی از این نوشتار میخوانید: واقعاً بسیار تعجب کردم که دیدم و خواندم آقای خاتمی چنان ماهرانه، با کلی گویی و از این شاخه به آن شاخه پریدن ها سخنانی گفته است که نشان می دهد برخلاف تصور من، ایشان هم سیاست را خوب می فهمد و هم سیاست بازی را ...

در ادامه این نوشته آمده است : من به سهم خود توصیه می کنم ایشان وارد میدان انتخابات نشود زیرا با اطمینان می توانم بگویم آقای خاتمی با سخنانی که گفته است، این بار نیز همان آقای خاتمی خواهد بود که بعد از پایان دو دوره ریاست جمهوری دست هایش را از هم باز کرد مظلومانه گفت: «به خدا بی تقصیرم، من فقط یک تدارکاتچی بودم؟»

آبان ۹۰، توقیف مجدد اعتماد

مصاحبه جنجالی اعتماد با علی اکبر جوانفکر مشاور رسانه ای احمدی نژاد و سرپرست موسسه مطبوعاتی ایران. بقدری پرحاشیه بود که مجدداً اعتماد را به تعطیلی کشاند. در این مصاحبه جوانفکر اتهاماتی را به بسیاری از نهادها و مسئولین نظام نسبت داده بود. حسین شریعتمداری در کیهان این سخنان را نشانی از همسویی جریان فتنه و انحراف دانست. اختلاف اندازی بین نیروهای انقلاب

در کل اعتماد در تئوریزه کردن جنبش های اجتماعی نقشی اساسی داشته است. اخبار و جهت گیری های این روزنامه بعد از انتخابات ۸۸ در جهت ایجاد اختلاف بین نیروهای اصولگرا بوده است. مصاحبه جوانفکر با اعتماد و جهت گیری های این روزنامه در جریان انتخاب رئیس مجلس و شدید دانست اختلاف بین اصولگرایان و تخریب حدادعادل همه در این راستا ارزیابی میشود.

یکی از بحث برانگیزترین اقدامات روزنامه اعتماد ۲۹ شهریور ۸۸ با انتشار عکسی فوتوشاپی از راهپیمایی روز قدس به منظور القای "حضور پرشمار و گسترده جنبش سبز" انجام شد. تصویری که اصل آن از خیابان کریم خان زند برداشته شده است اما مقایسه آن با عکس های دیگر رسانه ها نشان میدهد تصویری که روزنامه اعتماد منتشر کرده کاملاً دستکاری شده است. جالب آنجاست که عکس روزنامه حتی با عکس سایت روزنامه اعتماد هم تفاوت های مشهودی داشت.

آدرس وب سایت	etemadnewspaper.ir
سال تاسیس	خرداد ۱۳۸۱
صاحب امتیاز و مدیر مسئول	الیاس حضرتی
سردبیر	بهروز بهزادی
منابع مالی	آگهی و
مشی سیاسی	اصلاح طلب ، تمایل به مهدی کروی
عملکرد در فتنه ۸۸	حمایت از کروی و موسوی
فعالیت های خاص	توقیف در دوران فتنه مصاحبه با جوانفکر و توقیف مجدد

کلیپ و انیمیشن

<p>مذاکره، ایستگاه اول</p>		
<p>Call From USA</p>		
<p>نرمش قهرمانانه</p>		

ما از تحرک دیپلماسی دولت از جمله سفر نیویورک حمایت می‌کنیم زیرا به دولت خدمتگزار اعتماد داریم و به آن خوشبین هستیم. ما دولت آمریکا را غیرقابل اعتماد خودبرتربین، غیرمنطقی و عهدشکن می‌دانیم. ما به مسئولین خودمان اعتماد داریم و از آنها می‌خواهیم با دقت و با ملاحظه همه جوانب، گام‌ها را محکم بردارند و منافع ملی را به فراموشی نسپارند.

رهبر انقلاب، ۱۳ مهر ۱۳۹۲

<http://www.shafaghmedia.ir/>



کلیپ زیبای Get out

<http://www.afsaran.ir/link/388138>



مستند جنجالی خط امام

<http://www.afsaran.ir/link/376258>



انیمیشن: زمینی که man ساختیم!

<http://www.afsaran.ir/link/391437>



کاپیتولاسیون

کاپیتولاسیون در اصطلاح امروزی به عهد نامه یا قراردادی گفته می شود که بین نمایندگان دولت بیگانه در کشور میزبان، منعقد می شود تا از طریق آن، اختیاراتی بیشتر از قوانین کشور میزبان به آنها داده شود.

کاپیتولاسیون در واقع یک امتیاز استعماری است، چون برای اتباع یک کشور خارجی در کشوری که مقررات را پذیرفته، مصونیت قضایی ایجاد کرده و آنها را از مجازات اعمال خلاف خود در کشوری که مرتکب جرم یا خلاف شده اند مصون می کند. سابقه ی کاپیتولاسیون در ایران به سالهای بسیار دور بر می گردد. کاپیتولاسیون برای اولین بار در سال ۱۸۲۸ میلادی، به موجب عهدنامه ی ترکمانچای به ایران تحمیل و در سال ۱۹۲۱، از طرف شوروی به طور یک جانبه لغو شد. در سال ۱۳۴۳ شمسی، کاپیتولاسیون توسط رژیم پهلوی احیاء شد. روز ۲۱ مهر ۱۳۴۳ لایحه ای به نام "اجازه به مستشاران نظامی آمریکا برای استفاده از مصونیت سیاسی و اجتماعی و معافیت های مصرح در قرارداد وین" به تصویب مجلس شورای ملی (مجلس بیست و یکم) رسید.

رژیم شاه به دلیل وابستگی شدیدی که به حضور مستشاران آمریکایی در ایران داشت، حاضر بود هرگونه امتیازی را حتی اگر به ضرر مملکت بود به آنها بدهد. به همین دلیل وقتی در اسفند ۱۳۴۰ پیشنهاد تصویب کاپیتولاسیون از طرف سفارت آمریکا در تهران به دولت ایران داده شد در ۱۳ مهر ۱۳۴۳ در کابینه ی اسدالله اعلم مورد تصویب قرار گرفت و سپس در ۲۱ مهرماه حسنعلی منصور نخست وزیر وقت، آن را به مجلس برد و نمایندگان هم آن را تصویب کردند.



امام خمینی (ره) در اعتراض به کاپیتولاسیون، رژیم شاه را مورد حمله ی شدید قرار دادند و فرمودند: "انا لله و انا الیه راجعون... من تأثرات قلبی خودم را نمی توانم اظهار کنم، قلب من در فشار است. این چند روزی که مسائل اخیر ایران را شنیده ام، خوابم کم شده (گریه ی حصار) ناراحت هستم، قلبم در فشار است... ایران دیگر عید ندارد، عید ایران را عزا کرده اند (گریه ی حصار)..."

"قانونی در مجلس بردند که تمام مستشاران نظامی آمریکا با خانواده هایشان، با کارمندیهای فنی شان، اداری شان، با خدمه شان، اینها از هر جنابیتی که در ایران بکنند مصون هستند، اگر یک خادم آمریکایی، اگر یک آشپز آمریکایی مرجع تقلید شما را در وسط بازار ترور کند، پلیس ایران حق ندارد جلوی او را بگیرد! دادگاه های ایران حق ندارند محاکمه کنند! باید برود آمریکا، آنجا در آمریکا ارباب ها تکلیف را معین کنند... ملت ایران را از سگ های آمریکایی پست تر کردند، اگر چنان چه کسی سگ آمریکایی را زیر بگیرد، بازخواست از او میکنند... هیچ کس حق تعرض ندارد، چرا؟ برای اینکه می خواستند وام بگیرند از آمریکا، آمریکا گفت این کار باید بشود"

"آقا تمام گرفتاری های ما از این آمریکاست، تمام گرفتاری های ما از این اسرائیل است، اسرائیل هم از آمریکاست..."

به دلیل اعتراضات امام خمینی (ره)، مأموران رژیم پهلوی در شب ۱۳ آبان ۱۳۴۳، ایشان را بازداشت و به ترکیه تبعید کردند

۱۳ آبان: روز دانش آموز، روز ملی مبارزه با استکبار





حادثه خونین مکه سال ۶۶



نهم مرداد ۱۳۶۶ مصادف شده بود با شش ذیحجه برای راهپیمایی براهت از مشرکین انتخاب شده بود. آن روزها مراسم براهت از مشرکین در شهر مکه انجام می‌شد. سخنرانی، ساعت شش بعدازظهر تمام شد و بعد از آن جمعیت مسیر راهپیمایی را با شعار علیه آمریکا و اسرائیل به سمت پل حجون در کنار قبرستان ابوطالب طی کرد. نزدیک غروب، راهپیمایی تقریباً تمام شده بود و بلندگوها خاموش بود که فاجعه شروع شد.

نظامیانی که در خیابان‌های اطراف مستقر بودند لباس عربستان را نپوشیده بودند و یونیفرم ارتشی داشتند. حادثه با چماق‌های پلیس عربستان شروع شد. در بین پلیس‌ها عده‌ای هم با لباس معمولی حاضر بودند و با چماق‌های میخ‌دار و میله‌های آهنی مردم را می‌زدند. بالای پشت‌بام ساختمان‌های اطراف، عده‌ای با لباس عربی هر چه به دستشان می‌رسید بر سر حاجیان می‌انداختند. بلوک، شیشه، سطل شن، کپسول، کولر گازی! عده زیادی بر اثر برخورد جسم سنگین و متلاشی شدن سر شهید شده بودند. همه هتلهای درهای ورودی را بسته بودند و فقط ساختمانی که فلسطینی‌ها در آن بودند درها را گشوده بود که عده‌ای توانستند جان خود را نجات دهند. جمعیت در محاصره سفاکان رژیم آل‌سعود افتاده بود. ازدحام جمعیت خیلی زیاد بود.

بخشی از حجاج ایرانی را خانواده شهدا و جانبازان دفاع مقدس تشکیل می‌داد. خیلی از شهدای حج خونین، مادر و همسر شهید بودند. جانبازان بر اثر ضربات چماق از روی صندلی چرخدار بر زمین می‌افتادند. آنقدر شلوغ بود که هر کس روی زمین می‌افتاد زیر دست و پا می‌ماند.

زمانی که پلیس مردم را کتک می‌زد، عده‌ای از چماق‌داران لباس شخصی سوت و کف می‌زدند و هلهله می‌کردند. ارتش شروع به تیراندازی کرد. اول اشک‌آور و گاز سمی خفه‌کننده. عده زیادی از زنان و کسانی که روی زمین افتاده بودند به علت استنشاق گاز خفه‌کننده شهید شدند. رگبار گلوله مسلسل‌های دستی به سمت حاجیان گرفته شد. ازدحام آنقدر زیاد بود که کسی که گلوله می‌خورد شاید روی زمین هم نمی‌افتاد. در بدن بعضی شهدا چندین تیر بود. یوزی، کلت، ام-۱۶، حتی بعضی از شهدا با گلوله‌ای که در پیشانی‌شان خورده بود شهید شده بودند. تک‌تیراندازها با قناسه از بالای پل مردم را می‌زدند.

چهره تک‌تیراندازها اروپایی بود. چند ماه قبل، ژنرال اولریخ وگنر، آلمانی‌تبار، مسئول هماهنگی امنیتی شهر مکه شده بود.

ساعت یازده که محاصره تمام شد، کسی حق نداشت به پیکر شهدا و مجروحین دست بزند. برق خیابان قطع شده بود. آمبولانس‌های درب و داغان وسط خیابان رها شده بود. تقریباً هیچ جسدی سالم نبود؛ همه له شده بود و با چادرهای مشکی و سفید زنان که خون‌آلود و پاره بود پوشیده شده بود. زمین پر از لنگه کفش و دمپایی، تکه‌های پاره لباس، خرده شیشه و قلوه سنگ بود. بوی گاز و باروت فضا را پر کرده بود. کف خیابان پر از خون بود. مجروحین و شهدا را روی هم سوار ماشین‌هایی که شبیه ماشین‌های حمل حیوانات بود می‌کردند و می‌بردند.

عربستان تاکید داشت که در این اتفاق هیچ گلوله‌ای از سوی سربازان شلیک نشده است و سعی در از بین بردن آثار آن داشت. به همین دلیل، اجازه بازدید هیئت‌های دیپلماتیک از شهدا تا چندین روز داده نمی‌شد.

بعدها بررسی‌های به عمل آمده توسط اداره تشخیص هویت و پلیس بین الملل جهت تشخیص نحوه شهادت زائران مظلوم بیت الله الحرام دال بر استفاده از اسلحه‌های مختلف می‌باشد و بر خلاف ادعای جنایتکاران سعودی که منکر استفاده از اسلحه و یا تیر اندازی شده اند تعداد زیادی از زائران با تیر مستقیم به شهادت رسیده‌اند، نتایج به دست آمده به قرار زیر می‌باشد:

- ۱- تیراندازی از فواصل مختلف و اکثراً بیش از ۲۰ متر صورت گرفته است.
- ۲- مسیر عبور گلوله اکثراً از بالا به پایین و یا در خط مستقیم بوده است.
- ۳- با توجه به ضایعات ایجاد شده بر روی پیکر شهدا سلاح مورد استفاده از انواع مختلف (کمتری، مسلسل و تفنگ جنگی یا شکاری از نوع گلوله زن) بوده است.
- ۴- اکثر گلوله‌های شلیک شده پس از اصابت از بدن شهدا خارج شده است.
- ۵- در بررسی‌های انجام شده بر روی اولین جسدی که مورد بررسی قرار گرفته یک گلوله (نظیر گلوله تفنگ‌های جنگی) در ناحیه پشت شهید متوقف گردیده بوده است که از این ناحیه استخراج و تحت بررسی جهت تعیین نوع سلاح قرار گرفته است.

عکسهایی از این واقعه خونین برای اولین بار توسط مشرق نیوز منتشر شد که در این لینک قابل مشاهده است



روایت شهید آوینی از این کشتار

این فیلم برشی از برنامه «روایت فتح» درباره واقعه کشتار مسلمانان در مراسم حج سال ۶۶ است که صدا و سیما از سال‌های گذشته این فیلم را در آرشیو خود نگه داشته و دیگر بازنشر نمی‌دهد.



شوق سفر حج

بیست سال پیش و بعد از مطالعه‌ی کتاب «سفر به قبله» که سفرنامه‌ی حج هدایت‌الله بهبودی است، حاشیه‌ای بر آن نوشته شد توسط رهبر معظم انقلاب. دل‌نوشته‌ای در حال و هوای دلتنگی زیارت‌خانه‌ی خدا:

بسم الله الرحمن الرحیم

این کتاب مرا باز در حشرت‌آلود زیارت‌خانه‌ی خدا و حرم رسول‌الله (ص) فرو برد. شور و حال و اشتیاقی که دیگر امید می‌هم با آن نیست. تا به یاد دارم - از سالهای دور جوانی - هرگز دل خود را از آتش این اشتیاق رها نیافته‌ام. اما حتی در دوران سیاه اختناق که هر روحانی بامعرفت و بی‌معرفتی، با رغبت و یا حتی از سر سیری، آسان می‌توانست در خط حج قرار بگیرد. و من نمی‌توانستم! یا بهتر بگویم: هیچ حمله‌دار و رئیس کاروانی از ترس ساواک شاه، نمی‌توانست و جرأت نمی‌کرد نام مرا در فهرست حاجی‌های خود - چه رسد به عنوان روحانی کاروان - بگذارد.

بله، حتی در آن دوران سخت هم دلم از امید زیارت کعبه و بوسه زدن بر جای پای پیامبر (ص) در مکه و مدینه، خالی نمانده بود ... و این امید، اگرچه با حج ده روزه‌ی سال ۵۸ که به فضل شهید محلاتی قسمت شد، برآورده گشت، اما آتش آن شوق سوزنده‌تر و مشتعل‌تر شد ...

در سالهای ریاست جمهوری چشم امید به پس از آن دوران دوخته بودم .. اما امروز ..؟ شور و اشتیاقی بی‌سکون و امیدی تقریباً فرو مرده ... تنها تسلا به خواندن اینگونه سفرنامه‌ها یا شنیدن آنها است که خود بازآفریننده‌ی شوق نیز هست .

این کتاب، شیرین، موجز، با روح و هوشمندانه نوشته شده است. زیارت قبول؛ عزیز نویسنده!

زیارت قبول

«۷۰/۱۲/۱۰»



ارسالی توسط: partizan
منبع: mashreghnews.ir

اخبار مقاومت

۱- روایت زن عراقی از جنایت هولناک

تروریستها با فریاد "الله اکبر" کودکان را سر بریدند و شکم زن حامله را دریدند این زن عراقی در حالی که اشک از چشمانش جاری است، می گوید: وقتی صدای فریادهای تروریستها و تیراندازی آنها نزدیکتر شد، فهمیدیم که خطری جدی همه ما را تهدید می کند، به همین علت من در کمد لباس به همراه پنج نوه ام پنهان شدم .

۲- شهادت «یوسف النشمی» پس از شکنجه و سهل انگاری مسئولین

یک فعال ۳۱ ساله بحرینی که ۱۷ اوت ۲۰۱۳ توسط نیروهای رژیم آل خلیفه بازداشت شده بود، به شهادت رسید . این زندانی بحرینی به نام بر اثر شکنجه در زندان های رژیم آل خلیفه و منع او از مداوای پزشکی عصر روز گذشته به شهادت رسید. جریان "الوفاء الاسلامی" در بحرین با اعلام خبر شهادت «یوسف علی عبد الله یعقوب النشمی» ۳۱ ساله؛ تأکید کرد که این فعال بحرینی در نتیجه شکنجه و اهمال پزشکی به شهادت رسیده است.

۳- انتقاد شدید گروه سلفی جیش الاسلام از خالد مشعل

در بیانیه این گروه سلفی که در واکنش به سخنان مشعل در همایش کمیته جهانی قدس در بیروت صادر شد، آمده است: موضع خالد مشعل، موضع اعضای شرافتمند و مخلص جنبش حماس نیست. مشعل در این همایش گفته بود، ملتها حق دارند که برای حقوقشان قیام کنند، اما این کار باید با ابزارهای مسالمت آمیز باشد، حماس با خشونت طایفه ای از هر منبع که باشد، مخالف است و گروه هایی که در سوریه می جنگند باید سلاحشان را به سوی رژیم اشغالگر نشانه روند.

۴- فراخوان "ریحانه های بحرین" در حمایت از زنان

اداره امور زنان در جمعیت وفاق بحرین فراخوانی را تحت عنوان "ریحانه های بحرین" برای حمایت از زنان این کشور در مقابل اقدامات سرکوبگرانه رژیم آل خلیفه آغاز کرده است. در این فراخوان تأکید شده است که تعامل رژیم حاکم بحرین با زنان این کشور از خطوط قرمز فراتر رفته و این رژیم به شیوه های مختلف در حال اهانت و نقض حقوق زنان است. از آغاز انقلاب بحرین در فوریه ۲۰۱۱ بیش از ۲۵۰ زن بازداشت شده اند . ۳۰ زن نیز به دلیل اقدامات خشونت آمیز رژیم کشته شدند. برخی از این زنان مانند "نفیسه العصفور" و "ریحانه الموسوی" نیز گفته اند که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در زندان به تجاوز تهدید شدند.

۵- جزئیات بیشتر از مرگ متهم اصلی انفجار ضاحیه جنوبی در «ریف دمشق»

«عمر الاطرش» سرکرده سابق گروهک «آزادگان القلمون» و متهم اصلی عامل انفجار ضاحیه جنوبی لبنان، در نبرد موسوم به «القلمون» در حومه دمشق کشته شد. بر اساس اطلاعاتی دریافتی از نزدیکان الاطرش، کلیه تماس ها با وی از روز گذشته تاکنون قطع شده است. منابع امنیتی از کشته شدن عامل انفجار ضاحیه جنوبی لبنان بر اثر اصابت یک راکت به خودرویش خبر دادند ولی منابع نزدیک به الاطرش تأکید کردند که سرکرده سابق گروهک «آزادگان القلمون» بر اثر انفجار مہب کشته شده است. الاطرش در لحظه هدف قرار گرفتن در خودروی بی. ام. دلبلیوی خود نشسته بود. این متهم اصلی در انفجار ضاحیه جنوبی بیروت، جنایت کشتار اعضای ارتش لبنان در حومه عرسال و برنامه ریزی در شلیک موشکها به ضاحیه جنوبی لبنان را نیز در کارنامه سیاه خود دارد.



راه شهیدان، راه بصیرت وصیت نامه‌یک شهید

وصیت نامه شهید مجید پازوکی (فرمانده گروه تفحص لشکر ۲۷ محمدرسول الله (صلی الله علیه واله وسلم) همزمان با یازدهمین سالگرد عروج آسمانی اش



"درود بر امام امت، نایب بر حق امام زمان (عج) حضرت امام خمینی که هرچه داریم از وجود با برکت ایشان است که اسلام و امت اسلامی را بعد از هزار و چهارصد سال دوباره زنده نمود. قدر امام را بدانید و خالصانه پیروش باشید، انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی امانت الهی هستند وظیفه همه ما پاسداری از انقلاب و دستاوردهای آن است. صلاح دنیا و آخرت ما در پیروی از ولایت فقیه می باشد. فعالانه در مسائل انقلاب و اجتماع شرکت نمایید. حضور گسترده و آگاهانه مردم ضامن انقلاب و اصول آن است. در نماز جمعه شرکت کنید و شعائر اسلام را زنده تر کنید."

پس از شهادت شهید تفحص «علی محمودوند»، جستجوگر نور، شهید «مجید پازوکی» را به عنوان فرمانده تفحص لشکر ۲۷ محمد رسول الله (صلی الله علیه واله وسلم) برگزیده بودند، پس از مرارت فراوان و تفحص در رملهای سوزان خوزستان، در ۱۷ مهر ۱۳۸۰ بر اثر انفجار در میدان مین به جمع یاران شهیدش پیوست.

ارسالی توسط: [partizan](#)

برگی از بهشت به آسمان رود و کار آفتاب کند



فاضل بزرگوار سید جعفر مزارعی روایت کرده :

یکی از طلبه های حوزه با عظمت نجف از نظر معیشت در تنگنا و دشواری غیر قابل تحملی بود . روزی از روی شکایت و فشار روحی کنار ضریح مطهر حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) عرضه می دارد : شما این لوسته های قیمتی و قندیل های بی بدیل را به چه سبب در حرم خود گذارده اید ، در حالی که من برای اداره امور معیشتم در تنگنای شدیدی هستم ؟!

شب امیرالمؤمنین (علیه السلام) را در خواب می بیند که آن حضرت به او می فرماید : اگر می خواهی در نجف مجاور من باشی اینجا همین نان و ماست و فیجیل و فرش طلبگی است ، و اگر زندگی مادی قابل توجهی می خواهی باید به هندوستان در شهر حیدرآباد دکن به خانه فلان کس مراجعه کنی ، چون حلقه به در زدی و صاحب خانه در را باز کرد به او بگو: به آسمان رود و کار آفتاب کند.

پس از این خواب ، دوباره به حرم مطهر مشرف می شود و عرضه می دارد : زندگی من اینجا پریشان و نابسامان است شما مرا به هندوستان حواله می دهید!!

بار دیگر حضرت را خواب می بیند که می فرماید : سخن همان است که گفتم ، اگر در جوار ما با این اوضاع می توانی استقامت ورزی اقامت کن ، اگر نمی توانی باید به هندوستان به همان شهر بروی و خانه فلان راجه را سراغ بگیری و به او بگویی: به آسمان رود و کار آفتاب کند

پس از بیدار شدن و شب را به صبح رساندن ، کتاب ها و لوازم مختصری که داشته به فروش می رساند و اهل خیر هم با او مساعدت می کنند تا خود را به هندوستان می رساند و در شهر حیدرآباد سراغ خانه آن راجه را می گیرد ، مردم از این که طلبه ای فقیر با چنان مردی ثروتمند و متمکن قصد ملاقات دارد ، تعجب می کنند. وقتی به در خانه آن راجه می رسد در می زند ، چون در را باز می کند می بیند شخصی از پله های عمارت به زیر آمد ، طلبه وقتی با او روبرو می شود می گوید: به آسمان رود و کار آفتاب کند

فوراً راجه پیش خدمت هایش را صدا می زند و می گوید : این طلبه را به داخل عمارت راهنمایی کنید و پس از پذیرایی از او تا رفع خستگی اش وی را به حمام ببرید و او را با لباس های فاخر و گران قیمت بپوشانید.

مراسم به صورتی نیکو انجام می گیرد و طلبه در آن عمارت عالی تا فردا عصر پذیرایی می شود . فردا دید محترمین شهر از طبقات مختلف چون اعیان و تجار و علما وارد شدند و هر کدام در آن سالن پر زینت در جای مخصوص به خود قرار گرفتند ، از شخصی که کنار دستش بود ، پرسید : چه خبر است ؟

گفت : مجلس جشن عقد دختر صاحب خانه است . پیش خود گفت : وقتی به این خانواده وارد شدم که وسایل عیش برای آنان آماده است.

هنگامی که مجلس آراسته شد ، راجه به سالن درآمد ، همه به احترامش از جای برخاستند و او نیز پس از احترام به مهمانان در جای ویژه خود نشست.

آنگاه رو به اهل مجلس کرد و گفت : آقایان من نصف ثروت خود را که بالغ بر فلان مبلغ می شود از نقد و ملک و منزل و باغات و اغنام و اثاثیه به این طلبه که تازه از نجف اشرف بر من وارد شده مصالحه کردم ، و همه می دانید که اولاد من منحصر به دو دختر است ، یکی از آنها را هم که از دیگری زیباتر است برای او عقد می بندم ، و شما ای عالمان دین ، هم اکنون صیغه عقد را جاری کنید .

چون صیغه جاری شد طلبه که در دریایی از شگفتی و حیرت فرو رفته بود ، پرسید : شرح این داستان چیست ؟

راجه گفت : من چند سال قبل قصد کردم در مدح امیرالمؤمنین (علیه السلام) شعری بگویم ، يك مصراع گفتم و نتوانستم مصراع دیگر را بگویم ؛ به شعرای فارسی زبان هندوستان مراجعه کردم ، مصراع گفته شده آنها هم چندان مطلوب نبود ، به شعرای ایران مراجعه کردم ، مصراع آنان هم چندان چنگی به دل نمی زد ، پیش خود گفتم حتماً شعر من منظور نظر کیمیا اثر امیرالمؤمنین (علیه السلام) قرار نگرفته است ، لذا با خود نذر کردم اگر کسی پیدا شود و مصراع دوم این شعر را به صورتی مطلوب بگوید ، نصف دارایی ام را به او ببخشم و دختر زیباتر خود را به عقد او در آورم ، شما آمدید و مصراع دوم را گفتید ، دیدم از هر جهت این مصراع شما درست و کامل و تمام و با مصراع من هماهنگ است .

طلبه گفت : مصراع اول چه بود ؟

راجه گفت : من گفته بودم ، به ذره گر نظر لطف بوتراب کند ...

طلبه گفت : مصراع دوم از من نیست ، بلکه لطف خود امیرالمؤمنین (علیه السلام) است.

راجه سجده شکر کرد و خواند:

به ذره گر نظر لطف بوتراب کند *** به آسمان رود و کار آفتاب کند



ما اینگونه ایم!!!

تا به حال چند بار از خداوند زیارت بقیع خواسته ایم؟ یا حضور در ایوان طلای صحن امیرالمومنین را؟ چند بار دم از عشق به آنان زدیم؟ چند سال در ایام شهادتشان سیاه به تن کردیم؟ چند بار از حب به آنان سخن گفتیم؟

اما آیا در میان این خواسته ها و آرزوها و حرف ها، در قلب هایمان جایی برای عشق به زندگی آنان گذاشته ایم؟ و در عقل هایمان جایی برای آموختن شیوه ی حیاتشان؟ و در اعمالمان جایی برای تقلید از اعمالشان؟

آیا فقط ادعای شیعه بودن می کنیم و یا علاوه بر آن، شیعه هم هستیم؟ اگر شیعه ایم، پس چرا پیرو و رهروی بزرگان مذهب تشیع نیستیم؟ مگر این نیست که شیعه باید پشت سر مولایش گام بردارد و بر جای پای او، قدم بگذارد؟

پس بهتر نیست زین پس به جای اینکه به دنبال قبر حضرت باشیم و در آرزوی زیارتشان ناله بزنیم، گاهی و تنها گاهی، نگاهی گذرا بر شیوه ی زندگی و سیره یشان بزنیم؟

بباید از آغاز زندگی خانم حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها و امیرالمومنین علیه السلام شروع کنیم. از مراسم ازدواجشان. همان مراسمی که امروزه از آن به عنوان جشن عروسی یاد می کنیم.

یادی می کنیم از هزار و اندی سال پیش...

هنگامی که مولا علی (ع)، فاطمه ی زهرا (س) را از پیامبر خواستگاری نمودند. آری... همان زمانی که فاطمه از روی حیا، سکوت اختیار کرد و پیامبر (ص)، دریافت که سکوت دخترش، علامت رضایت است. و پیامبر می دانست که علی (ع) و فاطمه (س)، همان کسانی هستند که از نسلشان امامان امتش است. همانگونه که وقتی علی (ع) به قصد ازدواج با حضرت فاطمه (س) به منزل پیامبر رفت، پیامبر به ام سلمه فرمودند: "برخیز و در را بگشای که این همان است که خدا و رسولش او را دوست دارند." مسلماً فاطمه نیز کسی را که خدا و پدرش دوست دارند، دوست میدارد. و به راستی چه کسی جز علی (ع) لایق فاطمه (س) بود؟ و چه کسی جز فاطمه (س) می توانست یار زندگی امیرالمومنین شود؟ چه کسی می توانست سنگ صبور درد ها و غصه های علی (ع) شود؟ چه کسی جز او می توانست برای دفاع از امامش امیرالمومنین، بین در و دیوار بماند؟

زمان آن رسید که بنا به دستور دین، باید مهریه فاطمه (س) تعیین می شد. پیامبر (ص) از امام علی (ع) پرسیدند: "چه چیز برای توست که مهریه فاطمه قرار دهی؟" پس مولا علی (ع) فرمودند: "تو خود شاهد هستی که برای من به جز شمشیر و شتر و زره از مال دنیا چیزی نیست." پس حضرت رسول عرض کردند: "شمشیر و شتر مورد نیاز توست. اما زره ات را بفروش و با آن مراسم ازدواج فاطمه (س) را فراهم کن." حال نوبت آن می رسد کمی فکر کنیم. آیا مهریه ی دختر پیامبر، سکه به تعداد سال تولدشان بود؟ مگر ارزش یک زره چقدر است؟ پس ما از چه کسی تقلید می کنیم؟ به راستی الگو و اسوه ی ما کیست؟

مراسم ازدواجشان نیز آسمانی بود. پیوندی آسمانی که به ظاهر در زمین، اما در آسمان بسته شد... مهمانان مراسم فرشتگان و قدسیان بودند و پاکان خدا بر روی زمین. و چه زیبا بود این میهمانی افلاکی... این میهمانی واقعا افلاکی بود و آسمانی و نه همچون مجالس امروز... نوای مدح و صلوات پیچیده بود در زمین و آسمان... حمد و تکبیر زینت بخش مراسم بود و نه اصوات حرامی که سایه بر مجالس ما افکنده اند و زمینه ی گناه و فساد را ایجاد کرده است. و از زندگی این دو بزرگوار چه بگوییم که زندگی دخت پیامبر و امیرالمومنین خارج از وصف است و اگر اینگونه نبود، فرزندان همچو حسن (ع) و حسین (ع) و زینب (س) در دامان آنان پرورش نمیافتند

اما نکته ی تفکربرانگیز و البته تاسف برانگیز ماجرا اینجاست که ما ادعا داریم شیعه ی علی هستیم... الگوی ما نیز فاطمه ی زهراست... و از همه مهم تر اینکه منتظر یوسف گمگشته ی زهرا هستیم... اما زندگی هایمان نشانی از آن ها ندارد. مال و مقام و شهرت و... جایی برای فکر کردن به این بزرگواران و پیروی از آنان باقی نگذاشته است.

بگذارید راحت بگویم: الگوهایمان عوض شده اند. ارزش هایمان عوض شده اند. اصلاً ما عوض شده ایم... ما عوض شده ایم چون ارزش وجودی خود را فراموش کرده ایم.

نکند روزی، چیزی جای ارزش های ما را بگیرد که دشمن ارزش های ماست... دشمن اسوه های ماست... دشمن پیشوایان ماست. حواسمان باشد که تا به ارزش هایمان باز نگردیم و خود را پیدا نکنیم، مهدی فاطمه نیز نخواهد آمد... آری؛ نخواهد آمد.

پس ای کاش ما نیز برگردیم...

درس‌هایی از ازدواج حضرت زهرا (س) و حضرت علی (ع)

از ماجرای ازدواج حضرت علی‌علیه‌السلام و حضرت فاطمه علیهماالسلام نکات بسیار جالبی را می‌آموزیم که اگر خواهان سعادتیم و پیروی راستین اسلام، بایستی تا مرز توان تلاش کنیم تا مراحل اول ازدواج بر مبنای صحیحی صورت گیرد، و دوم آنکه ساده زیستی در تمام شوون زندگی جامعه و بخصوص ازدواج راه یابد. درس‌هایی که از ازدواج حضرت علی و فاطمه زهرا علیهماالسلام می‌گیریم از این قرار است:

۱- کفو و همتا بودن:

یکی از اصول اساسی و رازهای موفقیت ازدواج، کفو و همتا بودن دختر و پسر با هم است، زیرا تنها در صورت همتا و همشان بودن دو زوج است که درک متقابل آنان از یکدیگر امکان‌پذیر است.

اگر مسئله همتایی نبود، بدون تردید دختران زیبایی در مدینه بودند که از ازدواج با حضرت علی‌علیه‌السلام خرسند می‌شدند. اما او حتی از آنان خواستگاری هم نکرد و برای حضرت فاطمه علیهماالسلام نیز خواستگاران فراوانی بودند اما حضرت فاطمه علیهماالسلام و پیامبر صلی‌الله علیه و آله به این وصلت‌ها راضی نشدند تنها حضرت فاطمه علیهماالسلام و روح والای او بود که زیبایی‌ها و شکوه معنوی حضرت علی‌علیه‌السلام را درک می‌کرد. در این مورد پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله فرمودند: اگر خدا علی را نمی‌آفرید برای فاطمه کفو و همتایی وجود نداشت. (۱)

۲- خواستگاری بدون واسطه

خواستگاری بدون هیچ تشریفات و حضور واسطه انجام شد و حضرت علی‌علیه‌السلام شخصاً به خواستگاری حضرت فاطمه علیهماالسلام از پیامبر صلی‌الله علیه و آله اقدام نمود.

۳- شرط اول: رضایت دختر

پیامبر گرامی صلی‌الله علیه و آله بدون رضایت دخترش حضرت فاطمه علیهاالسلام به خواستگار پاسخ مثبت نداد.

۴- قناعت

در تهیه جهیزیه به ضروری‌ترین و ابتدائی‌ترین وسایل زندگی در آن عصر بسنده شد... مگر حضرت فاطمه علیهاالسلام دختر پیامبر صلی‌الله علیه و آله رهبر پی‌نظر مسلمانان نبود؟ مگر مادرش حضرت خدیجه علیهاالسلام ثروتمندترین زن عرب در عصر خویش نبود؟ مگر پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله علیه و آله نمی‌توانست جهیزیه زیادی را همراه دخترش کند؟ پاسخ همه این سوالات «مثبت» است اما منش و روش پیامبر عظیم الشان اسلام صلی‌الله علیه و آله و خاندانش بر ساده زیستی استوار است. (۲)

متأسفانه در برخی خانواده‌ها به خصوص قشر مرفه جامعه جهیزیه دخترانشان مایشگاه بین‌المللی کاملی است از لوازم خانگی داخلی و خارجی که برقش چشم‌های ظاهربین را خیره می‌کند.

۵- مهیا کردن خانه برای ورود عروس

حضرت علی‌علیه‌السلام نیز اتاق خود را برای عروسی آماده کرد. بدین ترتیب که: ابتدا مقداری ماسه کف اطاق پهن کرد و چوبی هم تهیه نمود به دو طرف اطاق وصل کرد تا لباس‌های خود را روی آن بیندازد، و یک پوست گوسفند هم کف اطاق انداخت، و یک بالش نیز که داخلش را از لیف خرما پر کرده بودند در آنجا نهاد. (۳) همین.



۱- ینابیع الموده، ص ۱۷۷ و ۲۳۷.

۲- زندگانی فاطمه زهرا علیهاالسلام تألیف محمد قاسم‌پور با مقدمه آیت‌الله مرعشی نجفی ص ۴۷.

۳- زندگانی حضرت فاطمه علیهاالسلام و دختران آن حضرت مولف سیدهاشم رسولی محلاتی ص ۵۶.

مهریه جالب يك تازه مسلمان

این معلم مقطع ابتدایی به نام جنیفر مشیل با حضور در حوزه علمیه امام صادق(ع) آبادان و جاری کردن شهادتین بر زبان به دین مبین اسلام گروید و رسماً مسلمانی خود را اعلام کرد جنیفر مشیل متولد سال ۱۹۸۰ میلادی در کشور اسکاتلند است وی پس از مسلمان شدن با جوانی از اهالی شهرستان آبادان پیمان ازدواج بست و در همان مکان در حوزه علمیه آبادان صیغه ازدواج دائم این زوج جاری شد مهریه جنیفر مشیل یک جلد کلام الله مجید و آموزش احکام دین مبین اسلام به ویژه برپایی نماز است و در بندهای بعدی پنج عدد سکه تمام بهار آزادی و یک سفر زیارتی به مشهد مقدس است.



وصال اورا از من طلب کن



میل به جنس مخالف که در درون انسان نهاده شده است میلی است که: پیدایش اش تکوینی و طبیعی است. پاسخش تشریحی و تعلیمی پس قدمت ازدواج همپای پیدایش بشر است.

{در نخستین نجوای رازگونه، آدم ابوالبشر، به خداوند می گوید: پروردگارا ! در برابر خود کسی را می بینم که در دم میلی و انسی به او احساس می کنم و چون خداوند یگانه ، نجوای بنده اش را شنید فرمود: اگر او را می خواهی از من بخواه، وصال او را از من طلب کن}

امام باقر (علیه السلام) :

مردی خدمت رسول خدا (صل الله علیه و آله) آمد و در امر ازدواج کسب تکلیف و اجازه کرد ، حضرت فرمود : آری ازدواج کن و بر تو باد به زنان متدین ، خدا خیرت دهد .

(وسائل الشیعه . ج ۱۴ . ص ۲۱)

مظاهر خرافات و بدعت‌ها در حرم مطهر امام رضا علیه السلام



متأسفانه خیلی از ما برای نشان دادن ارادت به ائمه معصومین علیهم السلام متوسل به یک سری خرافات و بدعت‌ها می شویم که نه اجر اخروی دارد و نه تاثیری در برآورده شدن حاجات دارد. خرافات به شکلهای گوناگون بروز می کنند. برخی از مواردی که در حرم امام رضا علیه السلام بیشتر مشاهده شده است عبارتند از:

- ۱- تشریف به صورت نشسته یا راه رفتن با زانو
- ۲- کشیدن صورت و بدن به زمین که در خیلی از موارد باعث زخمی شدن و نجس شدن مسیر حرکت می شود.
- ۳- برگه هایی توزیع می گردد که شخصی بیماری بسیار سخت داشته و در خواب می بیند که شفا یافته است. باید این مطالب را چندین بار بنویسد و توزیع نماید.
- ۴- بستن پارچه و قفل به پنجره و ضریح مطهر به نیت اینکه تاثیر بیشتری دارد.
- ۵- تجمع زائران در کنار قبر مرحوم نخودکی در هر چهارشنبه و خواندن سوره مبارکه یس و تجمع در کنار مرحوم مجتهدی و خواندن «زیارت جامعه» بر سر خاک ایشان.
- تذکر: در زیارت بزرگان مدفون در حرم مثل مرحوم نخودکی نباید از زیارت امام معصوم علیه السلام غافل شد.
- ۶- توزیع بسته های حنا و شکلات با سفارش به انجام برخی عبادات خاص.
- ۷- خوابیدن در حرم مطهر به نیت دیدن امام علیه السلام و گرفتن حاجت.
- ۸- نوشتن وصیت نامه پیامبر صلوات الله علیه بر روی کتب ادعیه.
- ۹- گرو گرفتن اموال حرم و خروج آن از حرم مطهر برای برآورده شدن حاجات.
- ۱۰- چسباندن مهر به دیوار رواق مبارکه توحید خانه به نیت گرفتن حاجات.
- ۱۱- توزیع بسته های نخود و کشمش و برگه هایی که در آن نوشته شده چهارشنبه هفته اول فلان ذکر را (۱۴۱ مرتبه) بگویید، چهارشنبه هفته دوم (۱۴۱ بسته) نخود و کشمش به همراه این اذکار را توزیع کنید چهارشنبه هفته سوم حاجت می گیرید.
- ۱۲- توزیع برگه هایی که در آن سرنوشت افرادی که به قرآن مجید توهین کرده و مسخ شده اند نوشته شده است.

ارسالی توسط: Raheroshan313

برگرفته از کتاب راهنمای زائرین امام رضا علیه السلام/ معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی آستان قدس رضوی

قدمزدن در شادی

جایگاه شادی در سبک زندگی اسلامی

اُمّه ی اطهار علیهم السّلام اهتمام ویژه ای به مسأله ی شادی داشته اند و سعی کرده اند در چارچوب سبک زندگی اسلامی حدود شادی و سرور ممدوح را مشخص کنند. در حدیثی از امام موسی کاظم (ع) چنین می خوانیم: «تلاش کنید اوقات خود را چهار قسمت کنید. قسمتی از آن را برای مناجات با خدا اختصاص دهید و بخشی از آن را برای امور زندگی و معاش خود در نظر بگیرید و بخشی دیگر را برای گفت و گو با برادران و افراد مورد اعتماد صرف کنید؛ افرادی که عیب هایتان را به شما می شناسانند و صادقانه با شما برخورد می کنند و قسمتی از اوقات خود را برای بهره برداری از لذت های حلال اختصاص دهید و بدانید که با این بخش چهارم است که می توانید سایر فعالیت های خود را نیز انجام دهید.»

اسلام نه تنها با شادی و نشاط مخالف نیست بلکه بهره مندی از شادی های مشروع را امری لازم برای انسان می داند. امام علی (ع) توصیه می کند به هنگام شادی از شادی ها و سرور های مشروع بهره مند شوید: «وقتی روز شادی در اختیار تو قرار گرفت از آن دوری نکن چرا که وقتی در دست روز اندوه قرار بگیری از تو صرف نظر نخواهد کرد.»

ایجاد نشاط در دل برادر مؤمن

یکی از ویژگی ها و آداب مسلمانی این است که تلاشی جدی برای شاد کردن دیگر مسلمانان دارد. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «به درستی که شاد کردن مؤمنان دوست داشتنی ترین کارها در نزد خدای متعال است.»

امام رضا (ع) می فرماید: «به درستی که بعد از انجام واجبات هیچ کاری در نزد خدای عز و جل برتر از شاد کردن مؤمن نیست.»^۲ امام صادق (ع) فرمودند: «گمان نکنید وقتی مؤمنی را شاد می کنید فقط او را شاد کرده اید بلکه بالاتر، به خدا سوگند ما را شاد کرده اید بلکه بالاتر، به خدا سوگند که رسول خدا را شاد کرده اید.»

در روایتی از امام حسین (ع) چنین می خوانیم: «برترین کارها بعد از نماز، شاد کردن قلب مؤمن با اموری است که گناهی در آن ها نباشد.»^۳ امام سجاد (ع) می فرماید: «از شادی و سرور به وسیله ی گناه پرهیز کن زیرا شادی به گناه بزرگ تر از ارتکاب آن است.»

با توجه به مجموعه ی آموزه های اسلامی درباره ی سبک زندگی مؤمنان، می توان چنین نتیجه گرفت که شاد کردن مؤمنان با انجام کارهای لغو و بذله گویی های سخیف نیز نمی تواند مصداقی از بهترین عبادت ها تلقی شود. قرآن کریم یکی از ویژگی های مؤمنان را چنین بر می شمارد: «[از مؤمنان کسانی هستند که] از لغو و بیهوده گویی گریزانند.» (مؤمنون، ۳)

شوخی

پیامبر اکرم (ص) یکی از ویژگی های مؤمنان را شوخ طبعی می دانند. برخی از مؤمنان در ابتدای آشنایی با اسلام گمان می کردند همواره باید جدیت ویژه داشته باشند و به همین دلیل از هر گونه خندیدن و مزاح خودداری می کردند. پیامبر اکرم (ص) در برخورد با این گروه فرمودند: «اما من نماز می خوانم و می خوابم، بعضی روزها را روزه می گیریم و برخی روزها را خیر، می خندم و گریه می کنم، پس کسی که از این شیوه و روش من روی گردانی کند و سبک و شیوه ی دیگری را اختیار کند از من نیست.»

یونس شبیبی، از یاران امام صادق (ع) می گوید: روزی امام (ع) از من پرسید: «شوخی کردن در میان شما چه جایگاهی دارد؟» گفتم: بسیار کم. فرمود: «این گونه نباشید. بی گمان شوخی از خوش اخلاقی است و بی شک تو با این کار برادر خود را شاد می کنی. رسول خدا (ص) با افراد شوخی می کرد و می خواست آنان را شاد کند.»

البته در شوخی نباید از مرز صداقت و حقیقت عبور کرد. امام علی (ع) می فرماید: «هیچ بنده ای طعم ایمان را نمی چشد مگر آن که دروغ را در شوخی و جدی ترک کند.»

شوخی هرگز نباید با تمسخر دیگران همراه باشید. شوخی با نامحرم از نگاه اسلام درست نیست. پیامبر اکرم (ص) فرمود: «کسی که با زنی نامحرم شوخی کند به خاطر هر کلمه ای که در دنیا با او سخن گفته است هزار سال در دوزخ زندانی می شود و اگر زن هم از آن مرد پیروی کند... و با او شوخی کند... همانند گناه مرد بر او نیز خواهد بود.»

شرط دیگر ارزشمندی شوخی این است که فرد از شوخی زیاد بپرهیزد. پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «شوخی زیاد آبرو را می برد و ایمان را محو می کند.»

شادی به هنگام شادی اولیا

از نشانه های محبت به یک نفر این است که با غم او غمگین و از شادی او شاد شویم. امام رضا (ع) خطاب به ابن شبیب فرمود: «اگر می خواهی در بالاترین درجات همراه ما باشی، پس برای غم و اندوه ما اندوهگین باش و برای شادی ما شاد باش.»

کلیپ‌های صوتی

ارسالی توسط Radiomighat



کی اول زنگ زده؟ (اوباما یا ...)؛ (طنز) + صوت

زمان : ۰۰:۰۱:۳۷

<http://www.afsaran.ir/link/379147>



حتما تقلید صدا بوده.... + صوت

زمان : ۰۰:۰۲:۲۹

<http://www.afsaran.ir/link/391685>



هر کس دلش هوای حرم امام رضا رو داره (آماده زیارت بشید بعد بشنوید)

زمان : ۰۰:۰۳:۲۰

<http://www.afsaran.ir/link/379114>



دلهاتون رو آماده کنید. این سفر از اون سفرهاست ها.

زمان : ۰۰:۰۸:۱۴

<http://www.afsaran.ir/link/388980>



داستان صوتی کمی دیرتر (حقیقتی در مورد مدعیان یاری امام زمان)

زمان : ۰۰:۰۴:۴۶

<http://www.afsaran.ir/link/381300>



اینبار نماینده ایران یک فیلم فرانسوی است!!!

زمان : ۰۰:۰۱:۰۶

<http://www.afsaran.ir/link/381272>



آیت الله بهجت میگفت (مهر باطل شد نخوریم)

زمان : ۰۰:۰۰:۵۹

<http://www.afsaran.ir/link/381227>



دو فایل صوتی کوتاه در مورد توکل (آیت الله مجتهدی)

زمان : ۰۰:۰۲:۰۰

<http://www.afsaran.ir/link/379073>



تحلیل لثه



توی این شماره تصمیم گرفتم درباره تحلیل لثه که نسبتاً شایع هم هست بنویسم...

تحلیل لثه علت های مختلفی می تواند داشته باشد

- پیری
- عدم رعایت بهداشت دهان
- مسواک زدن یا نخ کشیدن نادرست
- مصرف زیاد مواد غذایی شیرین و نرم
- وجود جرم پای دندان
- برخی بیماری ها

-و حتی در مواردی اگر دندان های بیمار بی نظم باشد به عبارت دیگر دندان ها در یک نظم مشخص قرار نگرفته باشند به طوریکه فرد نتواند بین دندان های خود را تمیز نماید مشکلات لثه ای ایجاد خواهد شد.

معمولاً افرادی که دچار تحلیل لثه شده اند در برخی موارد شدید عاج ریشه دندان نمایان میشود که باعث افزایش حساسیت به سرما و گرما و شیرینی یا تحریکات مشابه شود و ایجاد درد میکند...و در مواردی تحلیل لثه همراه خونریزی است که باید سریعاً به دندانپزشک مراجعه شود.

و در مواردی که جرم گیری لازم بود سریع انجام دهید، اگر مسواک نمی زنید با روش صحیح آغاز کنید، اگر خیلی سفت مسواک می زنید یا آن را افقی بر دندان ها می کشید روش خود را اصلاح نمایید و اگر نیاز به جراحی پیوند لثه داشتید آن را نزد یک پرودنتیست با تجربه انجام دهید

ممکن است هیچ یک از این موارد به کار شما نیاید: پس از مشورت اگر گفتند مشکلی نیست نگرانی را از خود دور کنید و بهداشت دهان خود را رعایت نمایید. هر شش ماه تا حداکثر یک سال با دندان پزشک خود مشورت نمایید.



تولیدات طنز

کمتر از بیست بهریدی روزگارت رو سیاه می کنی!

● استاد شما رو قسم میدم به هر چی که می پرستید. من شب امتحان دچار مشکل روحی شدید شدم. آخه می دونید چیه نمی تونم بهتون بگم، اصرار نکنید... ولی خوب به شما میگم، من نامزدم بعد از چهارسال یهو غیبش زد رفت مالزی. بعد از اونجا زنگ زد گفته وقت نکردم باهات خداحافظی کنم، بای بای. آخه یکی نیست به این پسره بی همه چیز بگه... استاد ببخشید از بحث خارج شدم. داشتم می گفتم خلاصه اینکه این برگه دستتون رو می بوسه. قول میدم جبران کنم. هر چی شما بگید انجام میدم. ☺

● استاد وقت کم آوردم وگرنه غیر این سوالی که کامل واستون نوشتم بقیه سوالات رو فوت آب بودم. چی کار کنم دست خودم نیستم خیلی کندم تو نوشتن. استاد این دفعه رو شما کوتاه بیاید قول میدم امتحانات بعدی وقت کم نیارم. استاد از زحمات شما خیلی ممنونم. آگه شما نبودید من الان همون آدمی بودم که قبلا بودم. گرچه الان هم بهتر از قبل نشدم که هیچ... خلاصه اوضاع روانیم که می بینید مناسب نیست، دارم هذیون میگم. البته این تیکه آخرو فقط. ☺

● استاد می دونم که دارم کار زشتی رو انجام میدم... نه نه نه وقت فکر بد نکنید منظورم اینه که درست نبود این مطلب رو زیر برگه امتحانیم بنویسم، ولی چه کار کنم مجبور شدم. می تونید از تمام فک و فامیل و در و همسایه ما سوال کنید ببینید من دیشب کجا بودم.. نگران نشید خوشبختانه بیمارستان نبودم... آخه مجبور شدم وگرنه منو چه به... استاد من فقط در مورد شعار غزه و لبنان و ایران دو به شک بودم که دیشب تمام شکهام برطرف شد. الان می دونم چی درسته و چی نیست. یعنی تفهیم شدم کامل یا بهتر بگم لطف کردن بهم تفهیم کردن... استاد لاقول شما هوای این برگه ما رو داشته باشید.



● استاد به خدا همشو بلد بودم. داشتم سوال اول رو حل می

کردم دیدم ماشین حساب میخوام. چون من یادم رفته بود ماشین حساب بیارم موبایلم رو درآوردم تا از ماشین حسابش استفاده کنم که مراقب یقه م گرفت که چرا بلوتوث بازی می کنی! به خدا می خواستم از ماشین حساب استفاده کنم. ولی نمیدونم یهو چی شد دستم خورد بلوتوثش روشن شد چند تا فایل هم اومد. به خدا فایلهای ناچور نبود اتفاقا درسی بود که اشکالی نداشت. ولی مراقب برگه م رو از دستم کشید. این مطلب رو هم زیر برگه یواشکی دارم می نویسم چون مراقب داره چرت می زنه.

● سلام، خسته نباشید، استاد میدونم توقع زیادیه ولی تو رو خدا نمره قبولی رو به من بدید. بابام چند سال پیش عمرش رو داده به شما، پارسال هم مادرم دق کرد مرد، ماه پیش عموم فوت کرد، دیروزم داییم به رحمت خدا رفت. فردا چس فردا احتمالا نوبت خودمه، لاقول این نمره منو بدید که آسوده خاطر سرم رو بذارم زمین. استاد نذارید اون دنیا سر پل صراط شرمندتون شم! ☺

● استاد گرامی، اصلا واسم مهم نیست که این درس رو بیفتم یا نه ولی همینطور که می دونید واحدی [بسییییییییییب] تومن باید شهریه این درس کوفتی رو بدم. خرجم رو داداشم داره میده، آگه بهش بگم یه درس رو افتادم و دوباره باید شهریه شو بدم منو می کشه! آگه منو بکشه خونم گردن شما میفته و بعدش مطمئنا عذاب وجدان می گیرید. من فقط به خاطر خودتون میگم وگرنه اصلا واسه خودم مهم نیست که قبول بشم. ☹

● با سلام خدمت استاد گرامی، استاد عزیز و گرامی و دوست داشتنی من، من دیروز عروسیم بود! خوب خودتون که بیشتر باید منو درک کنید آدم تا چند روز بعد عروسیش دست و دلش به هیچ کار نمیره چه برسه به امتحان پایان ترم. همین که اومدم امتحان دادم لطفا بهم نمره بالا بدید. اصلا حواسم نیست!!! امیرحسین مثل اینکه با هم عروسی کردیم، حواست باشه نمره کمتر از بیست بهم بدی روزگارت رو سیاه میکنم. ☺

● استاد، این پنجمین باره که دارم این درسو برمی دارم. به خدا مخم دیگه کشش نداره تمام زورم رو زدم ولی نمیدونم چرا هر دفعه هی گند می زنم تو برگه! من بعد از خدا امیدم به شماست فقط!

● سلام استاد! حاجی سلام رسوندند گفتند اون پونصد کیلو برنج ناقابل رو امروز فرستادن منزل. فقط گفتم در جریان کار باشید. التماس دعا! ✨

پ.ن : یادش بخیریک ترم بالایی داشتیم خعلی پولدار بود واسه اینکه نمره بگیره واسه یکی از اساتید لب تاب خرید!! ما هم با جون کندن اون درس رو با ۱۶ پاس کردیم. بعداً فهمیدیم یارو ۱۹ شده !! اون موقع بود که بچه ها منو گرفته بودند که سرمو نکوبیم به دیوار ☹☹☹

تولیدات طنز





اخبار افسران



۱- شفق مدیا شخصیت حقوقی یافت

گروه چند رسانه ای شفق مدیا که تا حالا کارهاشون رو بارها در فریم افسران دیده بودیم یک کاربری مستقل به نام shafaghmedia برای خودش ایجاد کرد. آرشو کارهای این گروه رو تحت این آدرس و تگ مربوطه می تونید دنبال کنید:
<http://www.afsaran.ir/tag/شفق>

بعلاوه سایت این گروه نیز به نشانی www.shafaghmedia.ir رونمایی شد
براشون آرزوی موفقیت داریم

۲- انتشار سه برنامه از رادیو افسران

در ماه گذشته ۳ برنامه از رادیو افسران طبق روالی که پیدا کرده منتشر شد

برنامه یازدهم با موضوع دفاع مقدس : <http://www.afsaran.ir/link/369119>



و برنامه دوازدهم با موضوع ازدواج آسان و هدفمند : <http://www.afsaran.ir/link/383962>



و برنامه سیزدهم با موضوع ولایت : <http://www.afsaran.ir/link/383962>



بعلاوه بخشهایی از این برنامه ها بطور جداگانه در گروه رادیو افسران منتشر شده که می توانید با تگ #تولیدات_رادیو_افسران از اونها بهره مند شوید

۳- کلید خوردن عملیات در افسران گرافیکست

به مناسبت نزدیک شدن ماه محرم، عملیات جدیدی در گروه افسران گرافیکست آغاز شد که علاوه بر خود اعضا گروه، سایر کاربران هم می توانند در آن شرکت کنند. این عملیات با موضوع محرم، داستان عاشورا و باید و نبایدهای عزاداری تا ۴ آبان ماه ادامه خواهد داشت

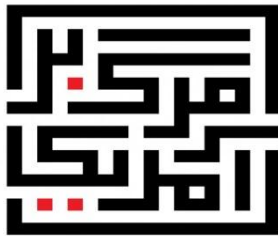
علاقتمندان می توانند برای اطلاع از جزئیات بیشتر به این لینک مراجعه کنند

<http://www.afsaran.ir/link/386012>



۴- واکنش افسرانی

انتشار بخشهایی از سخنان آقای هاشمی مبنی بر حذف شعار مرگ بر آمریکا و تحریف اندیشه های امام بازناب وسیعی در محافل مختلف از جمله افسران داشت .. لینکها و پیامکهای فراوانی در مخالفت با این تحریف و همینطور تبیین اندیشه امام در این زمینه تولید شد و بسیاری از کاربران آواتار یا چهرک خود را به شعار مرگ بر آمریکا مزین کردند



۵- تشکر از رسانه ملی

قدر دانی از اقدام به موقع صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

جناب آقای ضریحی

ما جمعی از کاربران شبکه اجتماعی افسران از گزارش بصیرت افزای صدا و سیما که با هدف جلوگیری از مخدوش شدن ارزشها و آرمانهای انقلاب اسلامی و ممانعت از القای باور دروغین "عقب نشینی حضرت امام در مبارزه با استکبار" و شعار "مرگ بر آمریکا" توسط سایتی معلوم الحال که در بخشهای مختلف خبری پخش شد سپاسگزاریم.

تعلل مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره) در پاسخگویی به این مورد و موارد مشابه از نظر ما قابل قبول نیست.

صدا و سیما در اقدامی بجا و بسیار خوب در پاسخ به مدعیان حذف شعار مرگ بر آمریکا مستند جالبی را تهیه و پخش کرد که با استقبال فراوانی مواجه شد از جمله افسران بیانیه ای را تهیه کرده و از صداوسیما تشکر کردند

<http://www.afsaran.ir/link/392416>

این بیانیه با رای های فراوان افسران امضا شد

۶- برترین پیامک های یکماه گذشته:

متاسفانه برترین پیامکها چیزی نبود که بشه اونها رو معرفی کرد .. فقط پیامک آقای مدیر رو که مقام دوم رو کسب کردن و تلنگر خوبی هست میگذاریم

اقابون و خانمها اوصیکم کاربران افسران و نفسی به درست و با دقت رای دادن
مخصوصا تو پیامکها
پیامکهای برگزیده افسران معرف جامعه افسران نیست متاسفانه
Hojjat ۸۴ رای ... پنج مهر

۷- برترین لینکهای یکماه گذشته



raheroshan313 ... ۲۵ شهریور



basir1357 ۱۷ مهر



Baran ۳۱ شهریور



داستانک براساس داستانی واقعی

چراغی در شب



مجبور می شود به بهانه خوردن داروها و تزریق انسولین از خانه بیرون بیاید و با پسرش به بیمارستان برود...

صبح نیمه شعبان خانه قدیمی و کوچکی به مدد دختران موسسه پر است از چراغ ها و آویزهایی رنگی... همگی لباس های نو به تنشان کرده اند، فاطمه بی قرار است و چشم میدوزد به در تا زن مهربان را مثل سال های قبل با جعبه شیرینی ببیند و خوشحال شوند همگی از شکرانه ای که خداوند در اختیارشان قرار داده است... نسیم خنکی شروع به وزیدن میکند و صدای به هم خوردن آویزها دلشوره عجیبی را در دل فاطمه طنین انداز میکند و او خیلی دیر کرده است... در باز می شود همگی به طرف در می دوند اما ناگهان به جای زنبای چهره اشک آلود همسر سیاه پوشش مواجه می شوند که تمام سعی اش را میکند تا اشک هایش را پنهان کند اما قادر نیست!

...

مراسم تدفین زن مهربان چند نفری را راهی بیمارستان می کند، از جمله فاطمه را، داغی بر دل همگی نشسته است که فقدان زن برایشان آن قدر محسوس است که کل محله را به خروشان درآورده است. در مراسم تدفین هر قشری از جامعه به چشم میخورد به خصوص مقامات اداری، دختران و پسران جوان و قشر فقیرتر جامعه، هرکسی که حق حتی سلام کردن به زن بدهکار است...

...

چندین سال است که فاطمه غم عمیقی در چهره دارد که بیست سال قبل از آشنایی با موسسه و سرپرست آن چنین غمی با وجود مشکلات حادثی که غرق در آن بوده را نداشته است... حتی تمام خواستگاریهایش را تمام طول زندگی اش در موسسه رد میکرده تا از وجود مهربان و عاشق زن بی بهره نماند.

...

برادرزاده زن که پسر شهید است سرپرستی دختران را به عهده میگیرد و برایشان یک ساختمان مجهزتر و بزرگتر میسازد، موقع اسباب کشی از خانه قدیمی، فاطمه چشمش به دفتر قدیمی ای می افتد که لایبای وسایل کهنه توجهش را به خود جلب میکند، دفتر را باز میکند و در حین تورق متوجه می شود که متعلق به زن مهربان است، اشک هایش دفتر کاهی رنگ را خیس میکند و گوشه ای میشیند و شروع به خواندن ابتدا تا انتهای آن میکند از خاطرات قبل از ایجاد موسسه اش و مشکلاتی که با قندخون بلاایش از همان ابتدای جوانی یا آن سر میکرده تا سرپرستی سه فرزند خواهرش که هنگام زایمان به رحمت خدا رفته است... صفحه آخر برخلاف صفحات قبلی با رنگ سبز نوشته شده است... ماجرای رفتن به حج تمتع و زیاده روی در مصرف داروها به خاطر بیماری اش و رفتن به حالت کما در طول چندماه و مرگ یک روزه اش آن هم در عنفوان جوانی و دوباره به حیات برگشتنش و لطف و عنایت الهی درحقیقش...

این که در پیمانه این بیماری قبل از مرگ اولش با همسرش عهد میکنند که "در صورتی که شفا یافتم و لطف الهی شامل حالم شد، تمام وقت و زندگی و سلامتی ام را در راه خدا و در مسیر خدمت به نیازمندان و دختران فقیر و ناتوان صرف می کنم و بتوانم بعد از برادر شهیدم پرچم انقلاب اسلامی را من به دست بگیرم..."

اشک ها دیگر به فاطمه اجازه نمیدهند تا ادامه اش را بخواند، خودکاری بر میدارد و در پایین صفحه با خطی زیبا می نویسد:

گاهی بعضی انسانها با اعمال و نیات خوبشان به درجاتی میرسند که خداوند آنها را الگو و حجتی بر سایرین قرار میدهد.

زخم ها و کبودی های روی بدن و چهره ی زیبای دخترک جوان تنها دارایی اش از بیست سال زندگی در کنار نامهربانی های نامادری و ضرب و شتم دو شوهرش بود.

حال ناامید از هر دری بر روی صندلی سبز رنگ بهزیستی مأوا گرفته است و سرش را به دیوار تکیه می دهد و آرام اشک می ریزد، هر قطره اشک برایش مثال چوب کبریت های دختر داستان مورد علاقه اش شده است و با وضعیت روحی و جسمانی که دارد قدم مرگ را بر خود مبارک می شمارد.

با خود می اندیشد که اگر تحت تربیت درستی قرار می گرفت یا حتی اجازه درس خواندن به او داده می شد بهتر می توانست در این شهر غریب پی مشکلاتش را بگیرد... بعد از مرخصی از بیمارستان قدرت کلامش رو به تحلیل رفته بود و بیرون رفتن از در بهزیستی چون جهنمی پر از گرگ های وحشی برای خود می دید...

در همین اثنا حضور زنی میانسال با چهره ای مهربان و معصوم را در کنار خودش حس می کند، چنان حالت چهره ای که در زندگی اش کمتر با آن مواجه شده است...

زن مهربان به پرورنده آب رنگی در دستانش نگاهی می اندازد و دست دخترک جوان را می گیرد و بدون آن که با مخالفت دخترک مواجه شود با خود به خانه ای با بافتی سنتی می برد، خانه ای که در هر پنج اتاق آن دخترانی مشغول به فعالیت های هنری- فرهنگی هستند.

دخترک با دیدن محیط خانه و آرامشی که موج می زند در آن، غلیان درونش کمی میخوابد و با خود فکر میکند هر چقدر هم اینجا به زعم خودم بد باشد اما به وحشتناکی سایه شوم شوهران سابق و خانه پدری ام نیست.

در همین فکرهاست که زن مهربان دست دخترک را میگیرد و با خلقی نیکو و با لبخند ملیحی بر لب، خودش را معرفی میکند، این که رییس موسسه خیریه ای است که سرپرستی نزدیک چند صد دختر بی سرپرست یا بد سرپرست که خطرات زیادی آن ها را تهدید می کند در آستانه ازدواج و نیازمند تهیه جهیزیه قرار گرفته اند. همچنین تامین جهیزیه، تامین ارزاق و کمک به بیماران محروم و ناتوان از دیگر وظایفی است که موسسه بر عهده دارد و از امروز تو عضو این خانه ای که با توجه به علاقت میتوانی در کلاس های علمی و هنری- فرهنگی ای که در داخل و خارج از موسسه برگزار می شود شرکت کنی فاطمه جان!

دخترک جوان با شنیدن اسمش با پسوند "جان" آرامش وصف نشدنی ای را درونش حس میکند و احساس میکند بهشت خدا همینجا میتواند باشد، نگاهی به صورت زن می اندازد که مشحون از شور و شوقی است برای شنیدن صدای فاطمه...

...

روزها و سال ها از پی هم میگذردند و فاطمه در خانه ای که دختران زیادی رفت و آمد دارند و مشکلاتشان کوچک تر از مشکل فاطمه نبود زندگی میکند و مشکل روحی و جسمی اش تا حد زیادی برطرف شده و تا حدی به زن سرپرست وابستگی پیدا کرده است که مادر خطابش میکند و اگر یک روز او را نبیند قرار نمیگیرد مخصوصاً زمان هایی که قند خون بالای زن او را روانه دکتر می کند.

کارش از تزریق انسولین هم گذشته اما خم به ابرو نمی آورد تا موجب ناراحتی خاطر دختران دم بختی نشود که حدوداً سالی چند نفرشان را باید عروس کند و مانند مادر بالای سرشان باشد.

...

شب نیمه شعبان کنار فاطمه و دختران موسسه نشسته است و مشغول برنامه ریزی است برای رفتن به اردوی مشهد مقدس اما حال جسمی اش به قدری وخیم است که

مصاحبه با سپهرای افسران

baran: این مصاحبه برای خودم بسیار جذاب و آموزنده بود .. تمام تصویری که از یک آشنا داشتم به هم ریخت و الگوی جدیدی برام ساخت.

لغات و جملات تعریفی و توصیفی زیادی به ذهنم میاد ولی ترجیح میدم به خاطر "او" سکوت کنم و از شما بخوام این بار مصاحبه را حتما و خیلی خوب بخونید .. مطمئن باشید بهره های فراوانی خواهید برد

تکرار بودند با کسانی که ازشون درس زندگی و خدمت به خلق آموختم...
نقاشی هم همینطور خاطرات شیرین بسیار است اما خیلی لذت می برم از اینکه بعضیاشون الان دارن آموزش میدن و الان گاهی هنرجوهای ده سال قبلم را می بینم که هرکدوم به جایگاه خیلی خوبی در اجتماع رسیدن و میان سر میزنن گاهی به ما و این خودش لطف بزرگی از سوی خداست که انقدر خاطره خوبی داشت که ما را فراموش نکردند...

برگردیم به تحصیلات .. وارد بخش دانشگاهی هم شدید یانه؟

دانش آموز تبدیلی نبودم اما دانشگاه خیر من حتی به بارم کنکور جدی نداشتم!
تنها کنکور آزمایشی هم تو استامون دادم کشوری رتبه ۲۱ داشتم و استانی هم رتبه ۴ کارنامش موجوده اما بنا به دلیل شخصی خودم تمایل نداشتم به دانشگاه و اینو بگم که مطالعات من هرگز مختص درس نبود و همچنان در اکثر زمینه ها ادامه داره..

یعنی به جور آزادی فکری .. درس حوزه چی؟ تو اون زمینه هم وارد نشدید؟

دقیقا آزادی بی نهایت...
البته مشغله های اجتماعی هم بی تاثیر نبوده درس حوزه را خیر وارد نشدم اما بعضا کتابهاشون خوندم!
علاقه دارم به مطالعات گسترده در هر زمینه خصوصا ادبیات اما درس خودن به اون معنا را کلا نمی پسندم به قول شما آزادی فکرمو میگیره!

خیلی جالبه ... بیشتر لینکهاتون شعر و متن ادبی هست .. چقدرش نوشته خودتون هست؟

ادبیات و نوشتن علاقه ی همیشه ی من از کودکی بوده و هست و مطالعه اشعار زیبا و نگارش متون ادبی، زمان خاصی در برنامه های حقیقی و مجازی بنده داره... بنده شعر نمیگم اما وبلاگ دست نوشته هایی دارم به نام ترنج.
تقریبا بیشتر اشعار برای بزرگان است و اکثرا منبع را ذکر می کنم. متن ادبی دست نوشته های خودم یا با لینک پیوست میشه یا برچسب دلنوشته داره.. البته متون ادبی مورد استفاده را سعی میکنم حتما با ترکیبی متفاوت و جذاب پست کنم حس می کنم شعر به تنهایی در شبکه های اجتماعی جذابیت نداره مگر برای اهل ذوقش... اما وقتی پستی زیبا و خلاقانه و نو به اشتراک گذاشته بشه مخاطبان دیگر را هم جذب می کنه...

آیا کتاب هم منتشر کردین؟



مشاور جوان استانداری و عضو باشگاه نخبگان استان و بوق به ریا... جوان برتر سالهای ۸۵ و ۸۸ و ۹۲ قم شدم.
سال ۸۸ جوان برتر کشوری از سوی سازمان جوانان هلال احمر شدم و نفر اول طرح ملی نویسی بوی سیب (بخش ویژه) سال ۹۰ و نفر اول وبلاگ نویسی حجاب ۹۱ شدم

به به .. ماشالله ... چرا گزارش از این فعالیتها یا خاطره از این اردوها رو کم توی سایت میگذاری؟ من به شخصه چیزی یادم نمیداد!

من پست زیاد میزارم گزارش هم به دوپاری ارسال کردم
فکر کنم چندتا پست گذاشتم بحث اسارت ۷ نفر از هلال احمریا در لیبی بود دیدم دوستان خیلی تمایل ندارن اما از امضای طومار جوانان هلال احمر علیه توهین کننده ها به پیامبر یا دسته علی اصغر غنچه های هلال احمر در ایام محرم و بازید از بیمارستان جانبازان شیمیایی ساسان اردوی کشوری نشاط و پویایی انزلی و البوم شبی با شهدا که طراح دکورش بودم را تو فوکوس گذاشتم..

پس من از دیدار شون محروم بودم!

از خاطرات خوبیت در دوران کار تو هلال احمر و همینطور تدریس نقاشیت برامون بگو

حضور در هلال احمر سراسر خاطره است از بهترین گفتن کار دشواریه از اردوهای جهادی خدمت تا زلزله بم و قزوین از دیدار سالمندان و خانواده ی شهدا و جانبازان تا روزهای خوش مهرورزی طرح های خودجوش افطاری نیازمندان و عیدی یتیمان... و اردوهای تفریحی همه ی روز های خوب با دوستان خوب در سراسر ایران خاطره بسیاره اما بهترین خاطره ماندگار و خوب استجابت دعاها ی خیری که برامون در این مسیر خدمت میکردن را به چشم دیدم و افتخارم اینه که در این مدت با بزکوارانی آشنا شدم که بی

سلام بر سپهرای افسران .. برای شروع لطفا خودت رو معرفی نما!

نام حقیقی ص.خلج . البته همون سپهرای مجازی مقبول تر است... متولد خرداد ماه سال اول دهه ی ۶۰ ... و درس هم طراحی/نقاشی فنی حرفه ای خواندم

از چه زمانی وارد افسران شدی و اصلا نحوه آشنایت با این سایت چطوری بود؟

ورود به افسران کاملا اتفاقی قبل هم تو یک پستی نوشتم مطلبی را سرچ میکردم برخوردارم به یک پست با تصویر زیبا از اونجا که عکس های زیبا منو جذب میکنه!
وارد پروفایل شدم و تا آخرش خوندم! بعدم دیدم ورود داره و عضویت به همین سادگی دقیقا اکانت کاربری را در این تاریخ و ساعت ایجاد کردم: ۲۱:۵۳ - ۰۴/۰۵/۱۳۹۱

گویا فعالیت خارج افسرانی زیاد داری .. در مورد اونها هم برامون توضیح بدید

حقیقت را بخواهید تا حدود زیادی بله فضای مجازی قسمتی کوچکی از فعالیت های اجتماعی بنده هست...

اگر بخوام کاملش را بگم اولاً خیلی زمان می بره دوام کسی غی خونه!

اما در مجموع اول اینکه نقاشی تدریس میکنم، تقریبا ۱۴ ساله... آموزشگاه های مختلف استان را تجربه کردم و البته با محوریت مرکز امور جوانان هلال احمر قم

عضو داوطلب سازمان جوانان هلال احمر کشور از سال ۱۳۷۹ تا کنون هستم... سازمان جوانان هلال احمر فعالیتهای عام المنفعه (اردوهای جهادی و طرح های ملی و استانی جهت ترویج سلامتی وتأمین احترام انسانها و صلح و دوستی و تسکین آلام بشری) و امدادی (حمایت های روانی و حضور در مناطق آسیب دیده و عملیات های امداد و نجات) داره و خودش شاخه جوانان (بخش آزاد) و دانشجویی و پیشاهنگی، طلاب و غنچه های هلال داره در هرکدام از این شاخه ها شورای مرکزی دارن و الی آخر... که بنده یک دهه میشه دبیر شورای کانون جوانان واحد خواهران استان قم هستم...

درتشکل های مردم نهاد و عموما اردوهای کشوری و نمایشگاه های جشنواره ها و غیره هم که بعضا برگزار میشه اکثرا کادر اجرایی و همکار هستم...

بیشتر ادامه نمیدم چون تمایل دارم دوستان مطالعه کنند...

پس بیشتر فعالیتت در فضای حقیقی هست .. خدقوت ... تو این نمایشگاه ها و جشنواره ها

مقامی هم کسب کردی؟



مصاحبه با کاربر Sepehra

خیر بعید میدونم نوشته های من ارزش کتاب شدن داشته باشه... اما بعضا مطالبی دارم که در نشریات داخلی و استانی منتشر شده

با این خلایق و توان حتما می تونید به چاپ کتاب هم برسید .. حالا بهمون بگو فینگیلی کیه؟!

فینگیلی کیه؟ نمی دونید؟
خب موجودی دوست داشتنی که یک کودک به ظاهر آرام و در عین حال فوق العاده شیطان هست... شخص حقیقی خاصی نیست!! کودکی که ساخته و پرداخته ذهن بنده است و براساس تصویر جذاب کودکان و موضوعات متفاوت ناگهانی و بداهه فضایی ایجاد میکنه برای خلق واژه هایی گاه طنز و بعضا کنایه...
راستی الانم کنارم نشسته میگه در مورد من خوب بنویس! (مجموعا همیشه همراه منه گاهی پر رنگ گاهی کم رنگ...)

چه جالب! من همیشه فکر میکردم فینگیلی شکل فانتزی عضو حقیقی خونوادتون هست .. و شما رو مادر یه فینگیلی واقعی فرض می کردم!
باباش کجاست که من مامانش باشم!
همیشه مینوشتم اقای بابا ، خانم مامان و سپهرا!
من سپهراشونم!

حالا با اینکه هنوز متاهل نشدی فکر می کنی بعد از ازدواج همیشه اینهمه فعالیت داشت ؟ همین کارهایی که الان داری

با ازدواج هم همیشه صد درصد این فعالیت ها را داشت. اما اولویت پس از ازدواج تغییر میکنه اول خانواده دوم خانواده و سوم خانواده و در نهایت اجتماع و وظیفه اخر یک بانوی مسلمان است...

اما بعید نمی دونم به نظرم می تونم از عهدش بریبم چون تا حدودی تجربه کار با این سبک را به شکلی دیگه دارم... به شرط اینکه همراه و همسفر آدم یک همراه واقعی باشه کسی باشه که رشد و پیشرفت در زندگی را هدفی مشترک بدونه و انگاه این موارد کاملا شدنیه...

فینگیلی چطوری وارد دنیای مجازی شد؟

یک بخش از فعالیت ها مجازی بنده که بیشتر زمانم را در آن صرف میکنم شبکه اجتماعی ماه نو شبکه متعلق به اعضای سازمان جوانان هلال احمر هست

اونجا مدیر میانی (در بخش محتوایی) هستم. فینگیلی اونجا متولد شد!

با توجه به اتفاقات متفاوتی که پیش می امد و بعضا می خواستم غیر مستقیم به موارد اشاره کنم سعی کردم یه شخصیت کودکانه با الفاظ طنز بداهه بنویسم که هم مطلب باعث رنجش کسی نشه و هم و اون مورد را در قالبی متفاوت و جذاب مطرح کنم و تا حدود زیادی هم به

نظر خودم تونست موفق باشه ... البته تو شبکه ما براساس قوانین هلال احمر پست های سیاسی ممنوع است و اونجا فینگیلی متفاوت تری از افسران داریم...

اگه یه روزی فینگیلی حقیقی خواست وارد نت بشه بهش اجازه میدی؟

فینگیلی های حقیقی خیلی پیش از اینکه ما بهشون اجازه بدیم وارد شدن و الان اطرافمون کودکان بسیاری را می بینیم که با امکانات روز و حتی بیش از ما در فضای مجازی فعالیت دارند...

من شخصا چندتا فینگیلی تو آشنایان نزدیک دارم که حتما موافق حضورشون هستم در فضای مجازی اما با توجه به قوانین و حمایت و نظارت آقای بابا و خانم مامان هاشون...

چه فضاهایی رو بهشون پیشنهاد میدی؟

فضای مجازی کودکانه ، انجمن شعر کودک و وبلاگ نویسی کودکانه را بهترین فضا میدونم برای نسل فینگیلی ها... و البته باید همون قدر که به هنرهای متفاوت بها داده میشه مثل شعر و سینمای کودک به نظرم باید عرصه خوبی ایجاد بشه برای تولید محتوا هم برای کودکان توسط متخصصین فن و هم حمایت و ارشاد خود فینگیلی ها برای تولید محتوای متناسب سن و علایقشون ...

آینده ی فضای مجازی به زودی در اختیار این نسل قرار میگیره و به نظرم باید هر چه زودتر برای سرمایه گذاری و فرهنگ سازی توسط مسئولان امر تلاشی انجام بگیره ، جهت ایجاد بستر های مناسب برای حضور قدرتمند و اثر گذار نسل فینگیلی هایی که تبدیل بشن به افسران حقیقی جنگ نرم در فضای مجازی...
اونها پشتوانه محکمی خواهند بود برای انقلاب اگر در رشد و تربیت مجازیشون دقت بشه..

در سوال قبلی از پستهای سیاسی گفتی ... میونه خودت با سیاست چطور هست؟ هیچوقت هلال احمر سیاسی نبوده؟!

یعنی اغراض سیاسی وارد کارش نشده؟

واقعیتش شاید تا دوسال قبل خیلی وارد وادی سیاست شده بودم البته پیگیری را عرض میکنم اما در مجموع سیاست را دوست ندارم . به نظرم خشن هست.. حقیقت ناب توش جریان نداره و خیلی دوست داشتمی نیست... حقیقت اینه تمام بخش های کشور ما آغشته یا به نظر خودم آلوده مباحث و مسایل سیاسی هست و یک امر کاملا جدایی ناپذیره ...

حالا در مسئولان هلال احمر ممکنه زمانی این اتفاق به صورت سلیقه ای افتاده باشه اما در بدنه اصلی و بزرگ و حقیقی و ماندگار هلال احمر که همون داوطلبانش هستن اثرات آنچنانی نگذاشته اینو کاملا لمس کردم...

در این جمعیت مسئولان میان و میرن خدمت می کنن و ماندگار کسانی هستند که جز برای خدا کار نکردند.. که نمونه خادم واقعی هم بسیار دیدم در این مدت حضورم در این جمعیت چه در استان چه در کشور...

از لحاظ پیگیری کردن ... فرامین و نظرات رهبری رو چطور می بینی؟

کلام رهبر حجت است و عام ایشون در تمام زمینه ها دارای تدبیرخاص و ویژه هستن. همیشه استفاده می کنم و کلام ایشون را درس زندگی میدونم نه یک بحث صرفا سیاسی و ...

چون اگر یادم باشه یه پستی از خود شما بود درمورد نشست رهبر با شاعران ...

سخنان ایشون همیشه جذاب بوده برای بنده درضمن پیگیری اخبار تنها بخش رسانه ملی هست که در خانواده ما جایگاه ویژه داره بعضا ممکنه در روز اصلا تلوزیون روشن نشه اما شب همه خبرا به هم متصل میشه از خبر ۱۹ شبکه یک به خبر ۲۰ شبکه خبر و بعد ۲:۳۰ شبکه دو و اخبار ۲۱ شبکه سراسری و بعد از اون صد درصد خبر ۲۲ شبکه سه و نهایتا آخرین خبر های استانی و شبکه دو تازه آخرینش هم ساعت ۲۴ شبکه تهران امکان نداره از دست بدیم حتی تکراری!:

فضای افسران رو چطور می بینید؟

از نظر من فضای افسران کاملا مثبت هست و به جرات میشه گفت یکی از پاکترین و سالمترین شبکه های اجتماعی برای فعالیت افراد علاقمند به سیاست و مطالب مذهبی هست...

اما بزرگترین نکته و محل خطر از نظر بنده + صرف بودن کابران این شبکه است... نمی دونم درست میتونم هدف صحبتیم را در این متن بیان کنم یا نه... اما مثالی میزنم از کارم: هنججویی میاد و مشکلی را بیان میکنه بایک راهنمایی شاید خیلی ساده مشکلات سه ماه گذشته اش در خطای دید برطرف میشه! معترض میشه چرا زودتر بهش نگفتم این نکته را ، و بنده عرض می کنم باید این خطا اتفاق می افتاد تا برای شخص شما سوال ایجاد میکرد و به دنبال راهکار مناسب می امدین(همون فوت کوزه گری...)

بحث در اینه که در این فضاهای کاملا مثبت، رشد و بالندگی از نظر بنده دیرتر اتفاق می افته



مصاحبه با کاربر Sepehra

مخالفتی ترد و تمام... فکر میکنم بعضی یکی از علت هایی که ما تولید محتوا می کنیم و فعالیت برای اینکه بتونیم مخالفین را جذب و هدایت کنیم حرف سر رفتارها و برخورد های به جا و دقیق یک افسر هم بود...

و انتقادهای دیگه؟!

دادن منفی و یا مثبت به تیرها از اشکالاتی هست که وارده، شاید تو خیلی از شبکه ها این اتفاقات می افته اما اینجا با توجه به رسانی که بردوش افسران هست باید متفاوت باشه ... و اینکه در بخش فنی هم به نظرم خیلی پتانسیل بالایی در این شبکه وجود داره امکانات خیلی خوبی که جای سپاس داره اما یک نقد دارم به اینکه چرا تعداد کابران آنلاین مشخص نیست به نظرم در حضور موثر و مفیدتر می تونه اثرگذار باشه...

احسنست .. کاملا درسته

سوالات زیادی تو ذهنم هست که ازت بپرسم ولی محدودیت صفحه داریم تو نشریه(!):
پس لطفا حرف آخری اگر هست بفرمایید.
حرف آخر یک سخن از امام عشق، دنیایی از حرف نهفته داره

امام حسین (علیه السلام):

مردم بندگان دنیا هستند و دین لقلقه زبان شان است، تا زمانی که آسایش شان برقرار باشد گرد آن می چرخند و آن گاه که با آزمایش غربال شوند، دینداران اندک خواهند بود...

الهی چنان کن که ما در آزمون بندگی تو، حرف حقیقی دل هایمان آمدن او باشد... و دل را بر سر زبان ها بیاوریم تا بارانت بیارد...
آقا سید مرتضی آوینی...گفتی: خوبان را مزد میدهند به شهادت ... ما را چاره ای کن که خوب نیستیم... صابرمان کن به این شبهای جدایی از باران...
دعا کن در این ویرانی قفس مقصد ما هم پرواز باشد...

و نهایت اینجا خوبان بسیاری در تلاشند خوبان را به شهادت مزد میدهند...

بسیار عالی .. از اینکه وقتتون رو در اختیار نشریه قرار دادید بسیار سپاسگزارم
بیش از پیش موفق و موید باشید

البته الان هم تو افسران مخالف داریم ولی تعدادشون به نسبت خیلی کمه .. به نظرت اگه این فضا باز بشه و همه نوع عقیده ای مجال رشد پیدا کنه این همبستگیها و تولیدات نسبی ای هم که هست از بین نمیره؟

درسته وجود داره اما اندک بحث من اینه کر بیشتر باشن و ما موفق شده باشیم اونا را به سنگر خودمون بکشیم و در مبارزه و کار فرهنگی اونا را هدایت و جذب کنیم هنر و رسالتمون را درست انجام دادیم اگر نه موافق که موافقه و باید فقط برای رشدش زمینه ها را مهیا کرد... ببینید مخالف تا نباشه اتفاقی نمی افته با حضور مخالف هست که ما می تونیم حق را اثبات کنیم و ناحقی را تمیز بدیم...

برای راهنمایی یک گمراه و هدایت و جذب میاییم محتوای مذهبی و سیاسی تولید می کنیم در اصل مخاطب اصلی ماجرا همون مخالفه ما که در مقام تحسین و حمایت از اون محتوا قرار داریم پس کار باری موافق به نظرم مساوی کمترین کاری که ما می تونیم انجام بدیم... ان شاءالله که ما حق از باطل میشناسیم باید بیشتر تلاش کنیم و درس بگیریم از تاریخ و درکنارش به مطالع بپردازیم که وارد گروه خواص نشیم خدا نخواست اما فلسفه حق و باطل در مصحف عشق کاملا روشنه حق در نهایت ماندگاراست... خداوند از آسمان آبی فرستاد و از هر دره و رودخانه ای به اندازه آنها سیلابی جاری شد سپس سیل بر روی خود کفی حمل کرد و از آنچه (در کوره ها) برای به دست آوردن زینت آلات یا وسایل زندگی، آتش روی آن روشن می کنند نیز کفهایی مانند آن به وجود می آید- خداوند، حق و باطل را چنین مثل می زند! اما کفها به بیرون پرتاب می شوند، ولی آنچه به مردم سود می رساند [آب یا فلز خالص] در زمین می ماند خداوند اینچنین مثال می زند! سوره رعد ۱۷

البته به نظرم لزومی نداره حتما همه مخالف ها اینجا هم باشن چون ما مخالفها و موارد مختلفشون رو هم در فضای حقیقی داریم می بینیم و هم در سایر شبکه های مجازی .. به نظرت بهتر نیست هم این یکدستی رو تا حد امکان حفظ کنیم و هم اون مخالفتها رو فراموش نکنیم و بدون ایجاد یک فضای رویایی ذهنی به وظایفمون برسیم؟

من نظر شخصیمو گفتم بحثم هم فقط این نبود کاربر ما مخالف باشه یا نه ... حرفم این بود اگر به مخالفی اشتباهی امد اینجا یا حتی با نقشه سوء وارد شد

یک ما راه مبارزه را بلد باشیم
دو جذبش کنیم با حسن خلق و رفتار شایسته از اشتباه و راه منحرف دورش کنیم نه اینکه چون

و بعضا دیدم اینجا اکثرا همسو و هم نظرند شاید این به خودی خود یک حسن باشه از دید خیلی ها... اما آن روی سکه و به نظر شخصی بنده می تونه چالش بزرگی ایجاد کنه یعنی تو فضای داخلی که همه با هم موافق هستند کمتر آمادگی مبارزه سخت هست و بعضا راههای مبارزه کردن ممکنه در درازمدت به فراموشی سپرده بشه... از اونجا که مبارزه با دشمنان فکری و اعتقادی در اسلام توصیه شده راهکارهایی هم برای اون صد درصد تبیین شده ... من دیدم بعضا در مواجهه با یک کابر متخلف و مخالف رسالت شبکه چنان برخی دوستان علاوه بر منفی دادن و گزارش تخلف بر می اشوبند که کار گاهی به اهانت کشیده میشه و متأسفانه این برخورد علاوه بر اینکه در شان یک فرد مسلمان نیست ما را هم به عنوان یک انسان خودخواه و خود برتر بین معرفی میکنه که تاب انتقاد نداریم و فقط عقاید خودمون را مهم میدونیم... در صورتی که راه مبارزه فقط طرد کردن اون فرد نیست کما اینکه با طرد کردن اونها یک نفر در جمع مخالفین و دشمنان همچنان باقی خواهد ماند! این خلاف رسالت افسران و نظر رهبری در جذب حداکثری هست... بهترین شیوه جذب و راهنمایی مخالفینه، دقیقا همون راهکاری که دشمنان دارن ازش استفاده می کنن

به یاد داشته باشیم افزودن یک دوست و هدایت یک گمراه، یعنی کاستن یک دشمن و مخالف

شاید انتقاد بزرگ من به افسران همین عدم صبوری لازم در این زمینه ها و متأسفانه عدم مطالعه پست های شبکه هست.

پس یکی از بزرگترین اشکالات افسران یکدستیش هست؟

یک دستی بد نیست و بعضا مطلوب هم هست اما اگر مانع پیشرفت بشه و بعضا و روند رشد را کند کنه زنگ خطر در بحث انتخابات پادم نمیره اسم نیم برم اما افسران مثلا یکسو بود در جهت یک کاندید اما این به نظرم سبب شد غافل بشیم و تصور کنیم وقتی تو یک جمع حالا شما بفرمایید ده هزار نفره ما ۷۰۰۰ نفر به فلائی رای میدهند یعنی همه کشور این نسبت برقراره، که این کاملا اشتباه بود و من همون موقع هم این نقد را حتی محکمتر از الان وارد میدونستم و یکی از علل توقف و در جا زدن و عدم پیشرفت را در تمام عرصه ها را نبودن مخالف و نقد میدونم میدونم...

دلنوشته

ابراهیم و فرزندش سنگ ها را بر هم می گذاشتند تا سر تسلیم به سوی قبله فرود آوریم. گلوی پسر به بوسه ی دشنه نه گفت، و نه اینکه نه گفت؛ دشنه جرأت بریدن نداشت. در گوش دشنه گفته بودند قربانی ها را حسین حساب می کند!

خانه تکمیل شد، پس گفت "ربنا تقبل منا هذا الدعا"

دعایشان قبول شد

و اکنون آفتاب گرم این بیابان و هزاران چشم خیره به لبان مبارک پیامر. همگان می پرسند چه می خواهد بگوید؟ چه خواهد شد؟ یک حج باشکوه حجة الوداع! اینجا خم است، غدیر خم. یک حج به انتها می رسد نه به تقصیر و اعمال و وقوف؛ بلکه با امام تمام شد! هنوز هم نمیفهمیدیم هر که دستان مبارک امام را گرفت حجتش تمام شد.

از غدیر خیلی نگذشت اما اینجا سقیفه است. همان ها که با دست های علی بیعت کرده بودند به زور دشنه هایی که سر اسمائیل ها نبرید، او را انکار می کردند! انکار نفهمیدند که بی علی، نمازشان باطل است! به کدام قبله سر به سجده نهند؟ قبله ای که مولودش علی بود و قلبش علی...

باز هم اشتباه تکرار شد، نماز می خوانیم
وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَا هَا بَعْثَرَةَ فِتْرَةِ مِيقَاتِ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً
وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ

و وعده گذاشتیم با موسی سی شب و تمدیدش کردیم ده شب دیگر پس تمام شد میقات پروردگارش چهل شب و موسی به برادرش هارون گفت جانشین من باش در قومم و مصلح باش و به راه مفسده جویان مرو

دو رکعتی که ثوابش عجیب است. قدری تأمل کن! می خواهد بگوید موسی رفت و در غیابش برادرش را خلیفه گذاشتیم و آیا جز این است معنای غدیر؟ اما گوساله پرستان زمان موسی در سقیفه، لباس دیانت پوشیده اند و ادعای ایمان می کنند . و مردمان غدیر نفهمیدند چرا بیعت؟ و بیعت یعنی چه؟! به مناسک حج می رفتند و علی سر بر چاه می گریست...
"مولای یا مولای انت الباقی وَاَنَا الْفَانِي وَهَلْ يَرِحُمُ الْفَانِي اِلَّا الْبَاقِي
مولای من ای مولای من تویی باقی و منم فانی و آیا رحم کند بر فانی جز خدای باقی"

پس اگر علی علیه السلام فانیست، ما چه ایم؟ کدام یک شنیدند؟ علی نه برای خود، که برای این مردم می گریست. کدامشان فهمیدند؟ او می گرید و خود را فانی می داند و این پسر آنقدر خود را دید، که روزی دستان علی را بست. و امروز دستان فرزندش را...
باز هم کوفه و کوفیان؛ همین امروز مسلم، پیام رسان حسین علیه السلام را به شهادت رساندند. و امام در عرفه آفتاب خودشناسی را به مردم دنیا فریاد می زند.

"اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَحْسَبَكَ كَأَنِّي أَرَاكَ وَأَسْعِدْنِي بِتَقْوِيكَ"

خدایا چنانم کن که از تو بترسم گویا که تو را می بینم، با پرهیزکاری مرا خوشبخت گردان!

این بنده گناهکار نیست که این دعا را طلب می کند؛ حسین (ع) است که به خدا می گوید خدایا چنانم کن که از تو بترسم!

و باز می گوید:

"الهی الی من تکلنی؟"

خدایا مرا به که و او می گذاری؟"

او می دانست که کوفیان عهد می شکنند و در راه تیغ بر گلویش می گذارند و از اسارت و تن های بی سر که به راه عشق عاشقانه خواهند پرید خبر داشت

و از جهل این قوم فریاد زد:

"وَأَتَى رَبِّي وَمَلِيكَ أَمْرِي أَشْكُو إِلَيْكَ غُرْبَتِي وَبُعْدَ دَارِي"

و حال اینکه تو خدای من، و زمامدار کار منی، من به تو شکایت می کنم، از غربتم، و دوری خانه آخرتم"

من شنیده ام اگر امام خود را نشناسی حجت ناقص است!

حسین علیه السلام به مقتل می رفت و تنها حاجیانی که به همراه حسین به زیارت کرب بلا ی حسین می رفتند فهمیدند

"من عرف نفسه فقد عرف ربه"

از امروز کاروان کربلا در راه است، قربانی ها را به مقتل ببرید...

همکاران این شماره:

Afsarejavan

Alitanha

Azadandish

Baran

Basar

fanous

Goooya

Hamase

Hamid17

Hero67

Mahdiyar85

Masoudzeinali

Miladps3

Montazere0313

Parvaz77

Raheroshan313

shaghaiegh

Soode

tavangar

Partizan

Radiomoghat

